

دهم آذرماه

دومین سالگرد فعالیت رادیو

صدای فدائی

بانک رسای کارگران و زحمتکشان

گرامی باد

ادامه جنگ

مستمسک جوئی و استیصال رژیم

رژیم ارتجاعی و روبه انحلال جمهوری اسلامی، برای بقاء نظام سرمایه داری و تحکیم پایه های متزلزل حکومت بورژوا - مذهبی موجود، از فرط استیصال به هرگونه دستاویزی که فراروی خود می بیند، جنگ میزند. جنگ وادامه آنرا به مثابه مهمترین عاملی که بتواند تا مین کشنده چنین دوا می باشد، کماکان مسئله اصلی می خواند و آن را همچنان در صدر سیاستهای ارتجاعی - پان اسلامیتی خود قرار داده است. هرروز به بهانه های سعی میکنند زمینه های لازم و مساعدی را که قادر باشد موانع موجود بر سر راه ادامه در پیغمبر ۳



پان اسلامیسیم "میانه روها" و امپریالیسیسم!

افشاء مفرک فارلین به ایسرا ن توسط یک مجله عربی زبان لبنانی ، آزاد شدن یک آمریکائی که توسط نیروهای مذهبی لبنانی متعایل به رژیم جمهوری اسلامی گروگان گرفته شده بود، خریدار سلحه و تجهیزات نظامی از آمریکا با میانجگری ودلالی اسرائیل، سرآغاز جدیدی شد بر آشکار شدن سلسله مناسبات و روابط پنهانی رژیم با آمریکا و دیگر دولت های امپریالیستی که هنوز هم در روزنامه ها و رادیوهای کشورهای مختلف حول آن بحث و مجادله صورت میگیرد.

در آغا اگر چه برخی از سران رژیم و دولتمردان سعی در انکار آن نمودند و حتی چنین امری را غیر ممکن وانمود می ساختند، اما اظهارات ریگان و سخنان مک فارلین مشاور امنیتی سابق او در در صفحه ۲

آغاز پنجمین



ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال انتشار

در صفحه ۲

پرامون اصول بنیادین برنامه ما، درباره تامین حقوق ملیتهای تحت ستم ایران

خواهید یافت که طبقه کارگر در جریان مبارزه برای دموکراسی بیگم و دستپاچه شدن، خود را برای انجام هدف نهائی خویش آماده کرده باشد.

بر همین اساسی است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بنا بر نیازهای عینی جامعه و بمنظور از میان برداشتن موانع اصلی بر سر راه تکامل اجتماعی بطور اعم و تکامل جنبش طبقه کارگر بطور اخص برنامه دموکراتیک کرده اقتصاد - سیاسی جامعه را در دستور کار فوری خود قرار داده است.

در این نوع از دموکراسی تسوده ای

در صفحه ۵

ما کمونیستها بمنابه بیباکانه گان پرولتاریا، هدف نهائی خود را واژگون ساختن کلیت نظام اجتماعی سرمایه داری و تسخیر قدرت سیاسی قرار داده ایم. پس اشکارا اعلام میداریم تا سلب مالکیت از بورژوازی و جایگزینی مالکیت اجتماعی بحای مالکیت خصوصی بروشائل تولید و مبادله، یعنی استقرار نظام سوسیالیستی و محو طبقات خواهیم جنگید. این هدف نهائی بیباکانه ای است که کمونیستها منافعی مجزا از منافع طبقه کارگر ندارند.

بورژوازی ما، هنگامی شکست خواهد خورد و با سوسالیسم هنگامی استقرار و کامل

در صفحات دیگر:

● اخبار جنبش توده ای

در صفحه ۱۳

● یادای زجنش ملی آذربایجان

در صفحه ۲۲

● انقلاب اکتبر

ما رشظفر نمون پرولتاریای

آگاه و متشکل

در صفحه ۲۲

پان اسلامیسیم "میانه روها" و امپریالیسم!

حقا دز تاریخ مایک قله برجسته ای (است)
دروند حرکتیمان!

وقتی آشکار شدن تجاسهای پنهانی
با فرستادگان ریگان در زمره بزرگترین
پهروزیهای دولت جمهوری اسلامی محسوب
میشود و معاملات تسلیحاتی و برقراری
روابط حسنه با آشپها بمشابه "قلعه" ای
برجسته دروند حرکت رژیم به شما آید،
چرا نباید امپریالیسم آمریکا به حمایت
از آن برنخیزد و چرا باید جمهوری
اسلامی را مورد بی مهری قرار دهد؟

سران امپریالیسم آمریکا اگر چه در
ابتدای تلاش کردند تا این حرکت را در
محدوده آزاد ساختن گروگانهای آمریکایی
توسط حزب الهی های لبنان قلمداد
کنند و با آن را در جفروش چند قبضه کلسنت
محصور نمایند! اما بدنیال جنجالها
و انتقادات جناحهای مختلفا امپریالیستی
ابعدا این مسئله بیشتر فاش گردید.
ارعاب مخالفین در داخل برای آرام
نمودن اوضاع آنجا را میز و مائش از آن
نشده که به این مسئله دامن زده نشود.
رقابت میان جریانهای مختلف سرمایه -
ذاری و قدرتها و انحمارات امپریالیستی،
در جهت بهره جوشی از این رویدادها، منجر
به افشاء هر چه بیشتر روابط پنهانی
رژیم با دول امپریالیستی و ارتجاعی
گردید. اگر ریگان نماینده امپریالیسم
آمریکا اشاره به این میکند که "جمهوری
اسلامی یک واقعیت است که آن را باید
بپذیرفت"، این بمعنای آن است که سبه
امپریالیسم آمریکا با شامه تیز خود مناسبتترین
پاسخ دوستانه را به خمینی ارائه داده و
قدرت و قیمت درک سران رژیم را از
"پیروزی" نیز دانسته است.

سران رژیم نیز که قادر به انکار
مسائل و موارد افشاء شده نبودند، سعی
کردند تا از این مسئله به نفع خود و در
جهت اهداف ارتجاعی شان سود جوینند.
آنان از سخنان ریگان بهره برداری نمودند
و با طرح اینکه "بزرگترین قدرت جهانی
جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخته است"
یکی از آرزوهای دیرینه خود را انجام
شده تلقی کردند و حکومت خود را تثبیت
شده اعلام داشتند. دولتمردان اسلامی در
ازا لطمه خوردن به حیثیت ظاهری "فرد

زمینه اینکه مذاکرات او از هجده ماه پیش
شروع شده و بنهار سال با مقامات رسمی
ایرانی در لندن دیدار داشته و از همه
مهمتر آنکه چند ماه پیش (خرداد ماه) در
فسرودگساره از سوی مقامات رسمی
ایرانی در تهران مورد استقبال قرار
گرفته است. چاشی برای انگارایس
مسئله از جانب سران رژیم باقی نگذاشته
رفسنجانی مبتکر اصلی این ملاقات، وادار شد
تا در سخنانی که بمناسبت روز تسخیر لانه جاسوسی
و مبارزه ضد امپریالیستی "ادا کرده به سخنرانی
امپریالیسم آمریکا به ایران و ملاقات با
یکی از این "جاسوسان" اعتراف نماید.
اعتراف رفسنجانی تمایل آشکارا و راهبه
برقراری روابط با آمریکا تحت عنوان
"روابط عادلانه"، شکاف دیرینه میان دو
جناح اصلی حاکمیت را عمیق تر ساخت.
نمایندگان جناح بازاری که بویژه در طول
سال جاری حملات متمرکز و خدیوگری را
علیه جناحی که رفسنجانی آن را
نمایندگی میکنند تشدید کرده اند، برای
ضربه نمودن حریف خود موقعیت را مناسب
یافته و آغاز به شدیدترین حملات نمودند.
نمایندگان بورژوازی تجاری، نسه از
زاویه مخالفت با امپریالیسم آمریکا و با مخالفت
با خرید اسلحه و عادی سازی مناسبات با
این کشور، بلکه از این جهت که در میان
این جنجالها و عادی سازیهای مطروحه
ابتکار عمل را از دست خود خارج شده
دیدند، حملات خود را از درون مجلس ارتجاع
و علیه رفسنجانی سازمان دادند.

خمینی اما با موضعگیری آشکار علیه
این جناح و تهدید جدی آنان، با زهم به
دفاع از رفسنجانی پرداخت و نشان داد که
با برنامهریزی عادی سازی مناسبات با
آمریکا کاملاً توافق نظر داشته است. از
همین رو، تماسهای پنهانی در جهت
تقویت روابط با امپریالیسم آمریکا را
"پیروزی" خواند و کلیه عناصری را که با
این مسئله به مخالفت برخاسته اند مورد
سرزنش قرار داد و تلویحا خواستار آن شد
که این مسئله امری خاتمه یافته تلقی
شود و در مورد آن هیچکس چیزی نگوید!
رفسنجانی رهنمود "امام" را و درک
از "پیروزی" مورد نظر رژیم را در اولین
هفته آذرماه و در نماز جمعه تهران بصط
داد، او گفت: "این پیروزی که ما بدست
آورده ایم و این روزها شاهدش هستیم در
سراسر دنیا همانطور که امام فرمودند
بدون هیچ اغراقی جز - پیروزیهای
درخشان هفت، هشت ساله انقلاب است که

امپریالیستی" شان، همه جا محبت از
تشبیت خود کردند.

رفسنجانی در خطبه نماز جمعه میگوید:
"انصافاً آنچه که ثابت شده تمامش بیروزی
بود برای جمهوری اسلامی، اینها قبلاً هی
حرف میزدند که جمهوری اسلامی متزلزل
است، تکیه به یک شخص، مردم ناراضی اند،
مردم ناراحت اند، اقتصادش چه جوریه،
داشما القاء تزلزل میکردند، اما کاملاً
اعتراف کردند و دست دادند که این انقلاب
پیروز شده، موفق شده و شباهت جمهوری
اسلامی تضمین است!"

این سخنان رفسنجانی به بهترین
نحوی مغضبی شباهتی رژیم را به نمایش
می گذارد، و در حین اعتراف ضمنی به
اوضاع رقت بار رژیم، صحبت های ریگان
و بمنوان "سند" و در تائید تشبیت جمهوری اسلامی
ارائه میکند. رفسنجانی همینکه رژیم
توانسته است با وساطت اسرائیل تجویزات
نظامی از آمریکا خریداری کند و بسا
بعبارتی آمریکا حاضر به فروش اسلحه
گشته است، آن را پیروزی درخشان می
خواند و از آن، شباهت رژیم را نتیجه
میگیرد. سران رژیم درست موقعی که
بیش از هر زمان دیگری با پناه های حکومتان
متزلزل ترونی شباهت تراست، تلاش
میکند تا از طریق معامله با امپریالیستها،
به خود امپریالیستها تضمین شباهت
بدهند! ما در ادامه خواهیم دید که روابط
امپریالیسم آمریکا با ایران، نه به
اساس با مصلحت تشبیت رژیم، که اتفاقاً
نقطه مقابل آن یعنی فروپاشی
قربیب الوقوع آن است.

نگاهی مختصر به اوضاع جامعه و
وضعیت رژیم برای صحت این مسئله کافی
است. بحران عمیق اقتصادی - سیاسی
تمامی ارکان جامعه را در خود فرو برده
است. شکاف درونی حاکمیت بیش از پیش
دهان باز کرده است، جنگ ارتجاعی ایران
و عراق مدتهاست به بن بست رسیده است،
جمهوری اسلامی برای بقا، خود به هر
دستاویزی جنگ میزند اما در عین حال
بیش از هر وقت دیگری به ورطه سفسسوط
نزدیک گشته است. رژیم بخوبی دریافته
است که نمیتواند بپایان موجود فاشق
آید و بویژه از اوج گیری مبارزات
نوده ای که پیشاروی خود می بینند
جلوگیری نماید. سرکوب انقلاب و حفظ
نظام یوسیده سرمایه داری حاکم،
بهمترین مؤلفه ای است که به نزدیک تر

ادامه جنگ

مستملک چونی و استیصال رژیم

جنگ را از میان بردارد و ملزومات و نیازهای مادی و معنوی پرورده دامنه جنگ را میسر و ممکن سازد، فراهم نماید. در همین راستا، عملکردهای رژیم بطور اجتناب ناپذیری مشکلات عدیده و نابسامانی های موجود در سطح جامعه را بطور دم افروزی تشدید میکند و برنا رضایتی عمومی توده ها و تنفرشان از جنگ بعنوان یکی از موانع اصلی ادامه جنگ، می افزاید.

ایا مویزه، نمازهای جمعه، مراسم و مناسبت های گوناگون، هفته جنگ، هفته دولت، هفته وحدت و دهها بهانه دیگر از این قبیل در دست رژیم به ابزاری تبدیل میگرددند که سرکوب زحمتکشان خلق کرد ارسوئی و ادامه جنگ ارتجاعی را از سوی دیگر عملی نماید.

هنوز مدت زمانی از تظاهرات سران نظامی و مقامات دولتی در ماهها جنگ نمودن تبلیغات نهادهای دولتی برای بسیج نیرو جهت اعزام به جبهه ها در "هفته جنگ" نگذشته است و جوهش فراخوانهای بی دربی مسئولین و کارکنان دولتی بدین منظور نیز کاغذهای رسمی ارگانهای دولتی خشک شده است که سران رژیم به ترغیب دیگران روی می آورند و ریحمان دیگری میجوینند! هفته جنگ علیرغم هیاهوی زیادی که حول آن برپا میشود، نه تنها بی هیچگونه دستاوردی برای رژیم، بلکه بی آنکه سران دولتی قادر گردند حتی برای دانش آموزان معترض کردستان در مسوورد جنگ فقط سخن رانی و تبلیغ کنند بهایان میرسد و جای خود را به "هفته بسیج" می سپارد!

نزدیک به سیمد تن از عقسب مانده ترین و مرتجع ترین عناصر رده بالای وابستگان رژیم، امثال حسین بنی نماینده خمینی در آذربایجان، موسوی نماینده "امام" در کردستان، امام جمعه سنندج و ائمه جمعه شهرهای دیگر کردستان، امام جمعه تبریز، همدان، ارومیه... به همراه هالکی ها و

مرتجعینی از قماش خود از کشورهای پاکستان، بنگلادش، افغانستان، هند، سودان، مصر، انگلستان! به همین مناسبت در سنندج گروهی آینه دوبرای پرهیز از پراکندگی در شبور" وحدت" میدهند و به "ریسمان الهی" تنگ میزنند تا اوضاع را بروفق مراد و مطابق منافع خود در آورند و ضمن دامن زدن بسوسه کوشش های پان اسلامیتی، پان هویت و رسمیت بخشند.

جنتی، عضو فقهای شوروی نگهبان، یکی از مهره های اصلی رژیم که نقش مهمی در اینگونه تظاهرات بازی میکند، پیش شرط جنگ اندازی به "ریسمان الهی" را تفسیر درونی میداند و خطاب بسوسه مسئولین دولتی در کردستان از آنان میخواهد که به "هما هنگی و وحدت و همدلی بیشتر بپردازند" او میگوید: "تا عوامل تفرقه شناسی و کنار گذاشته نشوند نمیتوان به ریسمان الهی جنگ زد و از تفرقه و تشتت جلوگیری کرد!"

اما دیری نمی گذرد که تظاهراتی وحدت طلبانه این مرتجعین خشک مفسز، بدون نتایج عملی و مطلوب آنان و مویزه بی هیچگونه اثری در پیش گیری از تشدید و تعمیق اختلافات درونی رژیم بی فرجام می ماند و پوشیدگی قدیمی این ریسمان نیز آفتابی میشود. لاجرم سران رژیم در جستجوی ریسمانی دیگری به "هفته بسیج" جنگ می اندازند!

مرتجعین و کارگزاران رژیم فرتوت و بورژوازی جمهوری اسلامی، که ناتوانی شان در حفظ و ادامه وضعیت موجود بیش از پیش آشکار گشته است و به لحاظ تجهیز نیرو و امکانات جهت ادامه جنگ ارتجاعی درین بستی چاره ناپذیر گیر افتاده اند، با ابداع هفته های جورا جور و توسل بسوسه این تمهیدات، آخرین کوشش های بی ثمر و نهایت توان خود را در ادا ماه پان سلامیم و سرکوب کارگران و زحمتکشان بکسار می گیرند. رژیم با هدف تشبیت خود به این دستاویزها روی می آورد، اما معضل، معضل گنده دگی رژیم بورژوازی حاکم که مانع از دستیابی به این هدف است، بزرگتر و پیچیده تر، همچنان باقی میماند. مسئول بسیج استان کردستان، ضمن سخنرانی در گروه آشی مسئولین پایگاههای بسیج وعده میدهد که در هفته بسیج "ضربه اساسی و آخر را بر پیکر مدام" خواهد زد.

مسئولین بسیج در کردستان، با هدف تسلیم توده ها و به خیابان کشانیدن آنان، دست به تبلیغات گسترده ای می زنند، اما در عمل تبلیغات ارتجاعی آنان نمی تواند به اهدافشان تحقق یابد. تظاهراتی مرتجعین در آن حسد باقی می ماند که جز مشتی عناصر سرسپرده و وابسته به رژیم، نمیتواند کسی را وادار به نمایش های مسخره آمیز خیابانی نماید!

مردم کردستان عموماً و بویسوزه کارگران و زحمتکشان نشان داده اند که اهداف ارتجاعی رژیم از این سیاست را می شناسند و تا کنون و در اکثر موارد، اکثر قریب به اتفاق - زیر بار این تنگ نرفته اند. سیاست بسیج جباران رژیم در کردستان، اگر از نمونه های محدود و صرف نظر شود، اساساً ناشکست مواجه گشته است، اعتراضات ضمنی دولت سردان مبنی بر کاهش تعداد افرادی که در سال جاری در پایگاه های بسیج سازماندهی گشته اند، نسبت به سال پیش، حاکی از این مسئله است. اما این امر مانع از آن نیست که رژیم به تظاهرات خود در این زمینه و در سرکوب و ارباب کارگران و زحمتکشان کردستان ادامه ندهد.

اوائل آذر ماه و به بهانه "هفته بسیج" ارگانهای متعدد سرکوب دولتی، در شهرهای مختلف کردستان و از جمله سنندج، بیجار، قروه، کامیاران و دیواندره، دست به مانشورهای مشترک نظامی زدند. مرتجعین بسیجی و سپاه پاسداران به همراه دیگر نهادهای نظامی، روز چهارم آذرماه در شهر سنندج و در حضور استاندار کردستان، فرمانده ژاندارمری و مرتجعین دیگری امثال اینها، دست به مانشور شهری زدند و با استقرار در نقاط مختلف شهر، با اصطلاح اقدام به "حفاظت و کنترل" مراکز مهم و حساس نمودند. فرمانده سپاه پاسداران استان کردستان هدف از اجرای یک چنین برنامه هایی را چنین توضیح میدهد:

"هدف از اجرای این مانشور... فراهم نمودن آمادگی های لازم در بین اقشار مردم و رژیمندگان و انجام تمرینات دفاعی برای ایجاد امنیت و حرابست از شهرها بود تا چنانچه وضعیت خاصی و خطراتی بوجود آمد مردم و نیروهای سازمان یافته بتوانند از نقاط حساس شهری دفاع کنند." مانشور مشترک ارگان های مرکب در صفحه ۸

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

بازگشت

آغاز پنجمین سال انتشار

آذرماه سال ۶۵ مصادف است با آغاز پنجمین سال انتشار ریگای گهل. به همین مناسبت، نگاهی می افکنیم به کار یکساله گذشته نشریه، نقاط ضعف و قوت آن.

یک سال دیگر از انتشار ریگای گهل، ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گذشت. چهارمین سال انتشار دوره جدید نشریه ریگای گهل را در شرایطی پشت سرمی گذاریم که بحران اقتصادی - سیاسی جامعه و تضادهای درونی رژیم جمهوری اسلامی به نحو کم سابقه ای شدیدگشته است. جنگ ارتجاعی ایران و عراق بعنوان یکی از سیاه ستیهای اصلی خارجی رژیم در طول یکسال گذشته نیز تداوم داشته و بعد از آن بیش از پیش به کردستان نیز کشیده شده است. تبعات مخرب جنگ در ابعاد گسترده تری بازم برزندگی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران سایه افکنده و آنان را به فقر و فلاکت بیشتری سوق داده است. بیگاری گران، کمبود رزاق عمومی و دهها مسیبت اجتماعی دیگر و تضیقات روبه تزايد حاصله از سیاست های ارتجاعی رژیم، زندگی میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان ایرانی را ز جمله خلوت زحمتکش کرد را به صیه روزی و تنهایی کشانده است. بورژوازی حاکم برای بقا موقعیت بی ثبات خود، برداشته سیاستهای سرکوبگرانه و خفقان آمیزش هر دم افزوده است. تا از این طریق جلو مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان را مسدود نموده و سقوط خود را به تاخیر اندازد.

پنجمین سال انتشار نشریه ریگای گهل را در شرایطی آغاز می کنیم که ماهیت ارتجاعی رژیم بیش از پیش برملا گشته است. شعارهای بوج و میان تهی با صلاخ ضد امپریالیستی عمیقاً رنگ باخته و مناسبات پنهانی و معاملات اسلحه رژیم با "شیطان بزرگ" و اسرائیل، بمنظور ادامه جنگ ارتجاعی، آنچنان رسوائی برای رژیم بیجا آورده است که حتی عقب افتاده ترین بخش شده ها را نیز توهمی نسبت به سران رژیم نداشته است. سازمان مادر روپاروئی با رژیم ملی یک سال گذشته، به شکل مستعری سیاست های فریب آمیز، ارتجاعی و

بان اسلامیستی اورا انشاء نموده و دشمنی اورا با کارگران و زحمتکشان در تمام عرصه ها آشکار کرده و با هدف سرنگونی رژیم تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را تبلیغ و ترویج نموده است. سازمان همچنین در شرایط بحرانی جامعه و آشفته بازار مدعیان منافع کارگران، سیاست های اپورتونیستی اکنونیستی و فرمیسیتی و هرگونه انحراف دیگر از حزب و دستجات مختلف سیاسی را در سطح جنبش بطور جدی افشاء نموده و پیگیرانه با ناپیگیری های موجود به مقابله برخاسته است و بعنوان یگانه سازمان مدافع راستین منافع طبقه کارگران ایران، پرچم استقلال طبقاتی این طبقه را برافراشته و مصممانه از آن بدفاع برخاسته است.

ریگای گهل با الهام از یک جنبش خط مشی مبلغ و مروج چنین سیاستی در سطح منطقه بوده است. ریگای گهل از سوئی به مقابله با سیاست های ارتجاعی رژیم در رابطه با کردستان و افشاء این سیاستها برخاسته است و از سوی دیگر تلاش نموده است سیاست مستقل طبقه کارگران را در مقابل مسئله ملی تبلیغ و ترویج نماید و مبلغ راستین خط پرولتاری در جنبش انقلابی خلق گردیده است. در همین راستا، با انواع گرایشات بورژوا فرمیسیتی، ناسیونالیستی، بوندیستی و غیره به مقابله جدی برخاسته است، هرگونه سازشکاری با رژیم و مساوات بسا بورژوازی حاکم را قویا مردود و محکوم داشته و کلیه کوشش های تفرقه افکنانه میان کارگران را فاش و برملا ساخته و با آن درافتاده است. با تاکید بر همپروستی کارگران و زحمتکشان کردستان با دیگر نقاط ایران، استراتژی واحدی را در مقابل طبقه کارگران و انقلابیستاران ترویج نموده است.

ریگای گهل با عزم از این نقطه که بتواند تلاش های رژیم را جهت پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش فاش سازد، عمل کرده ارگانهای دولتی و سخنان سران رژیم را در منطقه تعقیب نموده و از موضع کارگران و زحمتکشان به مقابله با آن پرداخته، اهداف ارتجاعی و چهره واقعی آنان را به توده های زحمتکش خلق کردستان پانده است و ضمن ساده نویسی اینگونه مقالات که قابل فهم برای تعداد بیشتری از توده ها در منطقه باشد، آنان را به مبارزه متحدانه ترو متشکل ترحم سرنگونی رژیم رهنمون گشته است. در طول یک سال گذشته، رژیم بسا

اعمال سرکوب مداوم و افزایش نیروها و مراکز سرکوب خود در کردستان، سستی در پیشبرد سیاستهای ارتجاعی، سربازگیری، تسلیح و کوچ اجباری داشت و در این راستا از طریق فریب و شیرینگ توسط ارگانها و افراد وابسته بخود همگون شوزاهای اسلامی و با امام جمعه ها در کنار سرکوب خونین که تکیه گاه اصلی پیشبرند این سیاست بوده سودجسته است. اما برغم تلاشهای مذبحوانه، مبارزات زحمتکشان خلق کردستان با آن از پیشمرگان انقلابی و تعرضات انقلابی پیشمرگان ادامه یافته است. یکی دیگر از جنبه های تلاش ریگای گهل، افشاء بی امان این سیاستهای ارتجاعی و با زتاب روحیه انقلابی زحمتکشان، عملیات انقلابی پیشمرگان، مبارزات عادلانه، توده های خلق کرد و نشان دادن عزم و اراده خلیل ناپذیر آنان بوده است.

در طول یکسال گذشته متأسفانه مشکلات داخلی جنبش خلق کرد و بویژه درگیریهای خونین حزب دمکرات و کومه له تداوم داشته است. ریگای گهل بعنوان وظیفه انقلابی، بخش دیگری از مطالب خود را برای پایان بخشیدن به این درگیریها و تلاش جهت برقراری آتش بس بدون قید و شرط، به این مسئله اختصاص داده و مجدانه سیاست هایی را که زمینه این درگیریها را فراهم آورده و کماتکان به اشکال و شبهه های گوناگون برآمده آن پای می فشارد، افشاء نموده است. تناقض آشکار درگیریهای مسلحانه را با منافع زحمتکشان خلق کرد گوشزد نموده و تبعات و تاثرات منفی آن را بر زندگی توده های خلق کرده که قطعا از دام منسبه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی می گاهد، تکراراً فاش و برملا ساخته است. سال گذشته نه تنها ادامه این درگیریهای خونین به سهم خود موجب محدودگشتن مبارزه علیه رژیم گردیده بلکه، اضافه بر آن، ائتلاف اتحادیه میهنی کردستان باقیاده موقت و همکاری متقابل با رژیم جمهوری اسلامی و الزامات تبعی بسک چنین همکاریها، تاثرات منفی و محدودکننده خود را بر فعالیت نیروهای انقلابی و مبارز برجای گذاشت و زمینه های عینی این محدودیت ها را بیش از پیش فراهم ساخت. اولین گام عملی نتایج و نشانه های ناشی از سیاست اتحادیه میهنی و همکاری با جمهوری اسلامی اگر چه با مداخله آشکار در امر داخلی سازمان تجلی یافت، اما در همین محدوده باقی نماند و در صفحه ۸

پرامون اصول بنیادین برنامه ما، درباره تامین حقوق ملیتهای تحت ستم ایران

ابزارهای سلطه بورژوازی نظیر ارتش
دائمی، پلیس و بوروکراسی منهدم
میکردند. توده‌های کارگر و حمتکش بسا
متشکل شدن در ارگانهای خاص خود قدرت
سیاسی را در دست گرفته و با اتکاء بسا
اهرمهای دیکراسی پیگیر یعنی شوراها،
قوانین اساسی دمکراتیک و ارتش مسلح
توده‌ای، طی تغییرات انقلابی-عمومی در
سراسر کشور به خواستهای خود دست می
یابند.

حصول این نوع از دمکراسی که
شاخص آن شوراها و حاکمیت مستقیم توده‌ها
است نتیجه بلاواسطه پیروزی انقلاب دمکراتیک
توده‌ای ایران است. با پیروزی انقلاب،
سلطه امپریالیسم و پابگاه اجتماعی آن
(بورژوازی وابسته) برمی افتد،
حقوق و آزادیهای سیاسی توده‌ها تا مبن
میشود و شرایط برای گذار به سوسیالیسم
تسهیل میگردد.

روشن است انقلاب دمکراتیک ایران
گامی است در جهت نیل به سوسیالیسم.
مادفعا قاطعانه از خواستهای دمکراسی
انقلابی که حقوق ملل تحت ستم نیز یکی
از آنهاست را وظیفه خود قرار داده‌ایم و
بر اساس منافع طبقه کارگر و موضوع این
طبقه منافع عموم توده‌های زحمتکش
برنامه رهائی ملیتهای تحت ستم را در
بخش حداقل برنامه ما زمان آراش
نموده‌ایم.

سیاست و روش برخورد طبقه کارگر با
ملل تحت ستم ایران بنحویست که
باید ای. ترین حقوق آنان تضمین گردیده
است. طبقه کارگر و تساوی حقوق ملل را به
رسمیت می شناسد، از حقدائی و تشکیلات
دولتهای مستقل آنان دفاع میکند و
علیه هرگونه امتیاز ملی مبارزه می
نماید.

در بخش حداقل برنامه ما، اجزاء
مختص با قوانین کاملاً دمکراتیک
اساسی ترین حقوق ملیتهای ساکن
ایران اختصاص یافته است. پیش از هر
چیز با نامین رهبری طبقه کارگر در انقلاب
و تا مبن دمکراسی پیگیر توسط این طبقه
حق ملل در تعیین سرنوشتشان تضمین
میشود. تاکنون در ایران طی دوره‌های
معین تاریخی، جنبشهای توده‌ای بخاطر
کسب حقوق ملی - مراحل مختلفی از

پیروزی و شکست را از سر گذرانیده‌اند.
جنبشهای ملی در ایران هرکدام نه
تنها به اهداف واقعی خویش ناشکست
نگشتند، بلکه بنا به دلائلی مشخص منجمله
نفوذ رهبری اشراف و فئودالها و بورژوازی
ناسیونالیستها دچار محدودیت گشتند،
توسط مترجمین به انحراف کشیده شدند و
در تثبیت دستاوردهای خود ناتوان ماندند.
در دوره معین تاریخی کنونی در
حالیکه جنبشهای انقلابی توده‌ای ملل
تحت ستم ایران با زخیزهایی داشته‌اند
و ملل تحت ستم بر حقوق برحق و انقلابی
خویش پای می فشارند، بورژوازی همواره
با اعمال دیکتاتوری و سرکوب هر یک در
تشدید ستمگری ملی افزوده است.

بورژوازی ایران، بمثابه پابگاه
اجتماعی امپریالیسم نافی حقوق و
آزادیهای دمکراتیک و منکر برابری
حقوق ملتهاست. تبعیضات ملی را تشدید
میکند. همچنین بر اساس دستم ملی می‌افزاید.
اینک در حالی که امپریالیسم
بعنوان عامل تشدید ستمگری ملی بسا
هزار رشته مرئی و نامرئی برجای
سلطه‌گری می نماید، سرما به داران
کسب سود مشغولند و با فشار و استعمار
وحشیانه کارگران و زحمتکشان، سرما به
های افسانه‌ای می اندوزند، آیا بسرای
حل مسئله ملی بعنوان یک خواست
دمکراتیک و انقلابی ملیتهای تحت ستم
که کثیرترین آنها دجا مع را در بر
گرفته‌اند و از ستم طبقاتی و ملی رنج
میببرند جز انقلاب و جز راه حل دمکراسی
انقلابی میتوانند راه حل دیگری وجود
داشته باشد؟ خیر! هیچ راه چساره
دیگری وجود ندارد جز راه حل طبقه کارگر
یعنی راه حل دمکراسی انقلابی، این
است پاسخ کارگران آگاه، به همه
لیبرالها، رفرمیستها و خرده بورژواهای
ناسیونالیست.

خواست و مسئله ملی در دوره معین
تاریخی - اقتصادی کنونی، خواستی
دمکراتیک است که حصول آن بطور
انفکاک نا پذیر با برقراری دمکراسی
توده‌ای مرتبط است، روشن است که حل
این مسئله به سرنوشت انقلاب دمکراتیک
توده‌ای به رهبری طبقه کارگر وابسته
است.

کمونستی که این مسئله را نفهمد
و روش خود را بر این پایه اتخاذ نکند
کمونست نیست، حتی یک دمکرات انقلابی
نیز نخواهد بود. کسی که خود را انقلابی
میداند باید از کسب قدرت سیاسی توسط
کارگران و زحمتکشان مدفعا برخیزد و
چون و چرا حق ملل در تعیین سرنوشت
خویش را برسمیت بشناسد.

کسانی که لفظاً این شعار را
می پذیرند لیکن در عمل شعارهای
و شنگ نظارانه خویش را پیش می‌برند،
توده‌ها را اغفال میکنند و خوشبختی را
نسبت به بورژوازی در بین آنان رسوخ
میدهند.

گفتیم که طبقه کارگر در بر
دمکراتیسم پیگیر خویش و با اتکاء بسا
اصول و قوانین عام جمهوری دمکراتیک
که رهبریش را بر عهده دارد باید مسئله
ملیتهای برخورد میکند.
جمهوری دمکراتیک خلق بطریق زیر
حقوق ملیتهای را تا مبن خواهد کرد:

الف) تساوی کامل حقوق ملیتهای
در این زمینه جمهوری دمکراتیک خلق
زبان رسمی اجباری را الفا میکند و
آموزش‌های به زبان مادری در مدارس
و استفاده از آثر ادرنه‌های دولتی و
مجامع عمومی مجاز می‌شمارد.
همچنین جمهوری دمکراتیک خلق
هرگونه امتیاز قومی و فرهنگی و نژادی
را ملغاً می‌سازد، چنین است طراز کاملی
از تساوی حقوق ملتتهای تحت ستم ایران.
اما باید اضافه کرد تنها با تضمین حق ملل در
تعیین سرنوشت خویش تساوی این حقوق با هم
کاملتر خواهد شد.

ب) تضمین حق ملل در تعیین
سرنوشت خویش؛ مفهوم این حق از نظر
طبقه کارگر روشن است، این حق جز
جدائی هر ملت از ملتتهای غیر خودی و تشکیل
دولت مستقل معنای دیگری ندارد و ما نیز
در برنامه بر آن تاکید کرده‌ایم. پیرو ملت را
در عین حالیکه از حق جدائی ملتتهای
دفاع میکنند لیکن هیچ ملتی را تشویق به
جدائی نمی‌کند.

در جامعه ما بنا بر مختصات نظام
اقتصادی حاکم، عقب ماندگی اقتصادی و
عدم رشد یکسان نیروهای مولده، ساختمان
درونی ملیتهای تکامل کافی نیافته و بر
طبقاتی شکل موزونی صورت گرفته است و
این مسئله، مجزا ساختن عناصر پرولتری از
عناصر بورژوازی در این ملتتهای اهمیت
میکرداند. بنا بر این پیرو ملت را به

سازماندهی طبقه کارگر

یا . . .

سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر است .
سراغارت هر چند هنوز مضمون خودش را
آشکارا نکرده ، اما نشان میدهد که منظور
بلوک کومه له وسهند ، آن اشکال سازماندهی
درونی طبقه کارگر است که یک حسی
کمونیست با برسمیت شناختن این
اشکال سازماندهی که ظرفیت بسط و
گسترش دادن راهم بعنوان سازماندهی
کمونیستی طبقه کارگر دارند و اینها با اشکال
به آن میتواند وظایف خود را متحقق
سازد .

از این رو برای یک حزب کمونیست
(منظورمان البته بهیچ وجه بلوک
کومه له وسهند نیست) وقتی که از
سازماندهی و آرایش تشکیلاتی طبقه
کارگر سخن میگوید ، این یک امر بدیهی
است که اشکال سازماندهی این طبقه
را - طبقه کارگر و نه یک توده بی شکل
مرکب از احاد منفرد را - بر اساس جایگاه
این طبقه در سازمان اجتماعی کار تبیین
نماید . بر این اساس ، فقط برای این
اساس است که طبقه کارگر ، حتی در بدترین
شرایط نیز از اشکال معینی از سازماندهی
خود بخودی وسوخت و ساز و آرایش تشکیلاتی
برخوردار است که این اشکال معین را از
اشکال سازماندهی دیگر طبقات واقشاز
متمایز میکند . سازماندهی کمونیستی
طبقه کارگر نمیتواند بر مبنای هر شکل از
سازماندهی که وجه مشخصه اش منحصر به
طبقه کارگر نیست استوار شود و از این
گذشته هر شکل از سازماندهی طبقه کارگر
هم نمیتواند مبنای سازماندهی کمونیستی
طبقه کارگر باشد .

بلوک کومه له وسهند در این
سراغارت ادها میکند که طبقه کارگر یک
توده بی شکل مرکب از احاد منفرد نیست
و از اشکال معینی از سازماندهی نیز
برخوردار است . اما همانا این ادعا فقط
در سراغاز سخن است و این بلوک در ادامه
بحث نشان میدهد که اساسا درکی از اشکال
معین سازماندهی یک طبقه ندارد ، چه
رسیده سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر .
توجه کنید و ببینید درک این
سویا لیستهای دهقانی ما از اشکال معین
سازماندهی درونی طبقه کارگر مشخص
نشریه " کمونیست " که الحق نامش باید
اکونومیست باشد در ادامه می نویسد :
" یک شکل دائمی سازماندهی در
درون طبقه کارگر ، که در آن روابط بسط

پوپولیم را تخطئه کردند و با زکشت به
اصول راصوظه نمودند . در پشت این
بوشش ، اما ، بازگشت به اکونومیسم ناب
واصول کمونیسم بدوی قبل از مارکس
سنگر گرفته بود . بلوک کومه له وسهند که
قبلا بانفی انترناسیونالیسم پهلوتی ،
بازگشت به اصول سوسیالیسم دهقانی را
آغاز نموده بود ، بانفی دستاوردهای
جنبش کمونیستی ، عملا تا سرحد نفی
لنینیسم به عقب تاخه بود ، در دستند اوم
این عقب نشینی خود ، آنهم با عنوان
" مارکسیسم انقلابی " ، به نفی مطلق
سازماندهی لنینی ناثل گردیده است .
افتخاری که ذرکنگره دوم این بلوک
مورد تا کیده قرار گرفت و دفتر سیاسی آنرا
تدقیق کرده است . این تدقیق مبتنی
است بر ستایش جنبش خود بخودی طبقه
کارگر و سازماندهی متناظر با آن .

" سیاست سازماندهی ما در میان
کارگران " عنوان مطلبی است در ستایش
از مجمع های خود بخودی کارگران که در
بیست و هشتمین شماره نشریه " کمونیست "
ارگان بلوک کومه له وسهندی چاپ رسیده
است . در این مقاله ویبا عبارت دیگر
چکیده " مباحثات کنگره ، سویا لیستهای
منحصر بفرد ما پس از یک سری افاضات در
رابطه با چپ سنتی و پوپولیم ، به مبنای
کار کمونیستی در میان کارگران
می بردازند ، و با این برداخت عامیانه ،
کیچ و ابتدائی که تداعی کننند
سازماندهی کارگران کارگاههای سنتی
عهده ما نونفا کتوری ویا کوره پزخانه های
سنتی با زمانده آن عصا است ، منحصر بفرد
بودن سویا لیسم دهقانی خود را بر ملا
میکندند ، به این طریق مبنای کار کمونیستی
در میان کارگران به مبنای کار
سوسیالیسم دهقانی در میان کارگران
کارگاههای سنتی تک افتاده کیچ از
جنبش پهلوتاریای صنعتی بسودور
بوده اند و در عین حال هنوز چشم امید به
منشا ، طبقاتی شان را از دست نداده اند ،
تبدیل میشود ، این نشریه می نویسد :

" طبقه کارگر یک توده بی شکل
مرکب از احاد منفرد نیست ، بلکه حتی در
بدترین شرایط نیز از اشکال معینی از
سازماندهی خود بخودی وسوخت و ساز و
آرایش تشکیلاتی برخوردار است . سازمان
دهی کمونیستی طبقه کارگر بدون برسمیت
شناختن این اشکال ، بسط و گسترش دادن
به آنها و متکی شدن به آنها امکان پذیر
نیست ."

این سراغاز بحث سازماندهی طبقه
کارگر ، آنهم نه هر نوع سازماندهی ، بلکه

خانوادگی و شغلی هر دو نقش جدی بازی
می کنند ، سازماندهی بصورت محاسن
کارگری است . شبکه محافل کارگری خود
پدیده مشدوع و گسترده ای است . از محافل
ساده ای که صرفا مدهای از کارگران رادر
یک رابطه رفاهت و آمدوشد ساده کرد هم
می آورد تا شبکه محافل کارگران
پیشرویی که اهداف مبارزاتی و سیاسی
کما بیش تعریف شده ای را دنبال میکنند
نمونه های از شکل محفلی سازماندهی
کارگرانند ."

توجه کردید ؟! می بینید این
مدعیان " مارکسیسم انقلابی " چگونه حتی
بر سر تعریف مقدماتی ترین مفاهیم
مارکسیستی سازماندهی کارگران
درمانده اند ؟ سازماندهی درونی
کارگران بر مبنای روابط خانوادگی و
شغلی ، با ورکردنی نیست . و لیس
سویا لیستهای هر ادعای ما از این
معجزات بسیار دارند . آخر ما سازماندهی بر
مبنای روابط خانوادگی و شغلی چه ربطی
به اشکال معین سازماندهی طبقه کارگر
دارد ، که بلوک کومه له وسهند در آغاز
بحث مدعیش بود ؟ این های وهوی گران
ما که منحصر بفرد هم هستند در آغاز بحث
ادعا کردند که " طبقه کارگر یک توده بی
شکل مرکب از احاد منفرد نیست و لذا از
اشکال معینی از سازماندهی خود بخودی
وسوخت و ساز و آرایش تشکیلاتی برخوردار
است " ، اما سازماندهی بر مبنای روابط
خانوادگی ، رفاهت و شغلی ، هم محله ای و
غیره و دالک چه ربطی به سازماندهی
طبقاتی یک طبقه مشخص دارد ؟ آنهم
سازماندهی که برای سازماندهی
کمونیستی ، طبقه کارگر بایده بسط و
گسترش آن برداخت و به آن متکی شد ؟
بدین ترتیب هر جمعی از کارگران
از دیدگاه ، بلوک کومه له وسهند مبنای
سازماندهی کمونیستی طبقه کارگر است .
و این مدعی نه فقط تسلیم در برابر هر
آنچه هست ، بلکه ستایش از هر آنچه هست .
کومه له وسهند درکی از سازماندهی
طبقه کارگر ندارند چرا که اساسا درک
مارکسیستی از مبارزه طبقاتی و از جمله
الزامات آن که اینان بعنوان اشکال معین
سازماندهی درونی طبقه کارگر مشخص
میکندند و میخواهند سازماندهی کمونیستی
را با اشکال به آن به پیش ببرند ، نه مبنای
مشخص سازماندهی یک طبقه مشخص که بر
اساس جایگاهش در سازمان اجتماعی کار
حاصل میشود ، بلکه صرفا یک تجمع ساده
در صفحه ۲۵

انقلاب اکتبر

مارش ظفر نمون

پرولتاریای آگاه و متشکل



حزب برای تحکیم سنگرهای پرولتاریا و سزیه کردن آن از وجود عناصر منحرف و غیرپرولتاری مبارزه پیگیر بود. بی رحمانه و راعلیه اشکال مختلف، اپروتوسیم به پیش برد در جریان بود. چنین مبارزهای مداوم یا لایش یا فست و نیرو و استحکام خود را در مقابل حملات بورژوازی تثبیت نمود.

حزب به عنوان مدافع خط انقلابی پرولتاری در پرتو آموزشهای لنین و بسط خلق مارکسیسم و تطبیق مبانی آن با شرایط روسیه بمقابل با خط مشی جریانات سیاسی عمده روسیه یعنی جریانات بورژوا - لیبرالی و خورده بورژوازی برخاست و در برنا مه و تا کتیک آنان را با شکست مواجه ساخت و از استقلال طبقاتی کارگران دفاع کرد. در کسار زار این جنگ، آنچه کهنه و میرنده بود منور و نابود گشت و آنچه بالنده و انقلابی همانا خط مشی بلشویکی حزب بود که غالب گشت و به پیش رفت.

حزب بلشویک از نخستین مراحل گردآوری قوا تا پیروزی انقلاب اکتبر و رهبری طبقه کارگر و دهها میلیون استعمار شده، ستم دیده در جریان تحولات دورنی و بیرونی، با انضباطی وصف ناپذیر و قدرتی شگرف به جمع بندی از تجارب خوبش پرداخت، اشتباهاتش را تصحیح نمود و برای دفاع از خلوص ایدئولوژیک طبقه کارگر یک لحظه از اصول خدشه ناپذیر خویش عدول نکرد و از منافع و اهداف طبقه کارگر دوری برنستافت.

حزب بلشویک برخلاف سایر احزاب سیاسی روسیه که هر کدام بنحوی در پیچ و خم های مبارزه طبقاتی ناپایداری، ضعف و زلزل خود را نشان دادند با الهام از تئوری انقلابی رهبران و آموزگاران کبیر پرولتاریا ثابت قدم، طبقه کارگر روسیه را در امر انقلاب هدایت نمود.

حزب تلفیق صحیحی بین کارمندی و عینی وجود آورد و در هر شرایطی مضمون انقلابی فعالیت خویش را پیش برد. حزب توسعه انقلاب را وظیفه خود قسرا داد. مبارزه علیه حکومت را سازمان داد و راه قیام را پیش گرفت. در جریان جنبش امپریالیستی به جنگ داخلی نامسرد، سیاست بازی بورژوازی را افشا و راه آزاد اندیشانه را نمود. حزب برای پیوستن

بورژوازی را در چهره های رنگارنگ آن افشا نمود و سرانجام با کسب پیروزی درفش انقلاب اجتماعی و سوسیالیسم را در پهنه کبیتی برافراشته نگه داشت.

حزب بلشویک که در دوره های مسا قبل کسب قدرت سیاسی با ملایت و استواری بحرانهای سخت و شکننده ای را پشت سر گذارد، حزبی با خصوصیات ویژه بود. ویژگیهای حزب بلشویک که بارزترین خصوصیات طبقاتی و سیاسی پرولتاریا را در وجود خود متجلی ساخته بود، خط و مسرر آنها از بنیاد با احزاب غیر پرولتاری که معمولاً طبعی به مارکسیسم در درون جنبش کارگری رخنه داشتند، متمایز گردانیده بود.

این واقعیت را مضمون خط مشی سیاسی - تشکیلاتی حزب بلشویک با ثبات رسانید. حزب بلشویک از همان آغاز فعالیت خود که اختناق نزاری بر پهنه روسیه سایه افکنده بود و پلیس سیاسی با اراغاب و جشانه به شکار انقلابیون و فعالین جنبش کارگری مشغول بود، در برابر حاکمان سیاست و ایدئولوژی بورژوازی که برای انحراف جنبش کارگر و کشاندن آن به کام لیبرالیسم روسی تلاش می ورزیدند با یک برنام روشن در سطح جنبش سراسری حداقل مشخص منافع و اهداف پرولتاریا را از افکار و طبقات دیگر ترسیم نمود. تا کتیکهای درستی اتخاذ کرد و ساختار به برجسته ترسیم کار در راه آموزش و سازماندهی کارگران پرداخت.

جامعه که در تملک خصوصی سرما به داران قرار داشت به مالکیت اجتماع درآمد. مالکیت اربابی بر زمین لغو گردید. اراضی کشور ملی اعلام شد و زمین به دهقانان واگذار و صلح واقعی برقرار گشت. کلیه ساکنین کشور به تساوی حقوق اجتماعی و مدنی رسیدند. کلیما از دولت جدا شد و تساوی حقوق بین زنان و مردان و همچنین تساوی حقوق ملیتهای روسیه تامین گشت.

پرولتاریا کلیه املاک، موسسات، صنایع تولیدی و وسائل حمل و نقل متعلق به استعمارگران و ملی اعلام داشت. و امپریالیتهای روسیه به دولت های خارجی ملغی گردید و گام های مهمی در جهت اقتصاد دنیوی و استقرار سوسیالیسم برداشته شد و بدین سان قدرت همه جانبه بورژوازی ضعیف و با زهم ضعیف تر گردید. پرولتاریا امانه در جریان تدارک انقلاب سوسیالیستی اکتبر و نه در جریان درهم شکستن بساط بورژوازی و تحکیم قدرت خویش و با اواخر تشبیت سوسیالیسم بدون حزب آهنین خود یعنی حزب بلشویک قادر به انجام کلیه وظایف نوبتی اش نبود و در واقع پیشروهای آن تماماً ماهون رزمندگی و نقش حزب کمونیست شوروی بر رهبری داهانه لنین بود.

حزبی که با فداکاری بدریغ، سه نجیب قوا پرداخت. رزمندگان راستین آرمان سوسیالیسم را در صفوف خود متشکل ساخت و در جهت تحکیم پیوندها طبقه کارگر همگام گشت. دهقانان را حصول سیاست و مطالبات انقلابی خویش گرد آورده

ادامه جنگ

رژیم در شهرها، تلاشهایی است جهت قدرت نمایی، ایجاد رعب و هراس در دل توده‌ها بمنظور مقهور نمودن اهالی کردستان و به تمکین در آوردن آنان! سخنان فرمانده سپاه پاسداران کردستان، بخوبی ماهیت اهداف ارتجاعی رژیم را برملا می‌سازد و در عین حال به آشکارترین شکلی وحشت رژیم از حرکت انقلابی و خیزش‌های توده‌ای را به نمایش می‌گذارد. در فرهنگ مزدوران سرمایه، مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان و قیام آنها علیه مناسباتی که اسپن مزدوران بر بستران به ستمگری مشغولند، "وضعیت خاص و اضطراری" معنی میدهد. هراس بی‌حد و حصر رژیم از قیام توده‌های انقلابی، از هم اکنون آشکار است و از همین رو، سرکوبگران به "تمرینات دفاعی" می‌پردازند، و خود را برای مقابله با توده‌ها، ویرای منکوب نمودن خیزشهای انقلابی، تحت عناوین "امنیت" و "حراست" آماده میکنند. بورژوازی (ضدانقلاب) بارها تحت همین عناوین، به سرکوب کارگران و زحمتکشان و به مقابله با انقلاب پرداخته است، تا نظام سرمایه‌داری و مناسبات استثمارگرانه را حراست و امنیت سرمایه را تامین کند. بورژوازی حاکم نیز برای یک چنین روزی که منافع سرمایه‌داران و نقاط "حساس شهری" که همان نهادهای دولتی است به خطر بیافتد و از جانب توده‌های انقلابی مورد تهدید جدی واقع گردد، خود را تجهیز و آماده میکند تا از آن به "دفاع" برخیزد! اما در این معاف تاریخی، این بار، انقلاب تجار ربی گرانبها و خونبساری را پشتوانه خود دارد، و در این روپا روشنی تاریخی بی شک انقلاب است که بر سر پا می‌ایستد!

و اما مضمون اصلی تمسک جوشیهای رژیم، در اساس در برگیرنده دود هدف عمده است که بطور لاینفکی در ارتباط با یکدیگر و در خدمت تحکیم پایه‌های نظم سرمایه‌داری حاکم قرار دارند. رژیم، از سوئی، با پیگیری سیاستهای ارتجاعی خود در کردستان، سر بازگیری و تسلیح اجباری می‌کوشد تا بخشی از نیروهای مورد نیازش را در جبهه‌های جنگ ارتجاعی تامین نماید و به لحاظ سیاسی روحیه اهالی را از

درون در هم ریزد و در نهایت آنان را به رودروشی با پیشمرگان انقلابی وادارد، از سوی دیگر با اعمال زور و سرکوب و ایجاد جو ترور و غفلان، توده‌های انقلابی را مرعوب سازد، ارائه مبارزه جویانه و روحیه امترازی کارگران و زحمتکشان خلق کرد را در هم بشکند تا بتواند آنان را در کلیه عرصه‌ها به پذیرش سیاستهای خود وادار نموده و به تمکین در آورد! و از این طریق بزم خود پاینده‌های حکومت سپاهش را در کردستان محکم نماید.

تمامی واقعیات و مبارزه‌جاری در کردستان اما، بطور انکارناپذیری مویس عدم توفیق رژیم در این زمینه بوده است. مقاومت گسترده توده‌ها در قبال تسلیح اجباری، امتناع مشمولین از رفتن به سر بازی، فرار جوانانی که به زور دستگیر میشوند حاکی از ناتوانی و شکست رژیم، و مخالفت ریشه‌دار توده‌ها با آن است. از جانب دیگر زحمتکشان خلق کرد در طول بیش از هفت سال حکومت ننگین و ستم‌بار جمهوری اسلامی، ضمن آنکه به ماهیت جا برانه و استثمارگرانه رژیم پی برده‌اند، به تنهایی هیچیک از خواست‌های انقلابی و برحقشان که تحقق آنها را در سرنگونی رژیم شاهنشاهی می‌دیدند، دست نیافته‌اند، بلکه به مراتب تحسنت فشارهای اقتصادی - اجتماعی شدیدتری نیز قرار گرفته‌اند، امروز آحاد توده‌های خلق کرد و بی‌ویژه کارگران و زحمتکشان از نظر معیشتی در شرایط دشوار و غیر قابل تحملی بسر می‌برند و ادامه جنگ دولست سرمایه‌داران، تا کید بزرگترش بماند - اسلامیسیم، به آخرین امکانات زندگی و حیات توده‌ها نیز دستبرد زده است و تضییقات بی شماری را بردوش توده‌ها تحمیل نموده است. مطالبات برحسب کارگران و زحمتکشان کردستان، ادامه و تکامل یافته همان خواسته‌هایی است که زمینه ساز اعتراضات گسترده توده‌های سراسر ایران گردید و در قیام مطلعانه بهمن ۵۷ تجلی یافت. تلاشهای سرکوبگرانه رژیم غرق در بحران، قادر نبوده است روحیات انقلابی توده‌ها را درهم بشکند، و انقلاب را منکوب نماید! بر همین اساس است که کارگران و زحمتکشان خلق کرد تحقق مطالبات و خواست‌های عادلانه و انقلابی خود را در تداوم انقلاب می‌بینند و با سرنگونی رژیم پیوند می‌زنند.



بازگاز

امروز به عین منافع زحمتکشان خلق کرد را نشان داده است. به حق و به جرأت میتوان گفت که ریگای گول بگانه نشریه‌ای بوده است که در سطح منطقه بنا بر وظیفه انقلابی و بسا صراحت کمونیستی به افشاء این سیاستها پرداخته و تقابل یک چنین سیاستهایی را با منافع واقعی زحمتکشان خلق کرده است. شکار نموده است و در همین رابطه، سکوت جویانه آن دسته از نیروها را که از منافع کارگران و از منافع خلق کرده‌اند می‌زنند، در قبال یک چنین امری که تا شبرات بلاواسطه، چند محدود - خود را بر مبارزات انقلابی زحمتکشان خلق کرده علیه رژیم‌های ارتجاعی و بر جنبش انقلابی خلق کرد گذاشته است، سر ملا ساخته است.

ریگای گول اما علیرغم توطئه چهارم بهمن و علیرغم این مداخلات، با پیگیری و پشتکار هر چه تمام‌تر توانا کید بردا به کاری انتشار، به سازپردانده‌مین اکثریتی که در ذرون سازمان - و از جمله یک تن آنان در تحریریه ریگای گول که نظرات خود را پنهان می‌نمود و با تحت اشوربسته آگاهی نیروهای متعهد سازمان، راهی و بازسنه مساعدی برای طرح و پیش بردن آن نمسی یافت - لانه گزیده بودند، بی وقفه به کار خود ادامه داد.

با این همه ریگای گول حامل نقائص و نارسائی‌هایی نیز بوده است و بعنوان یک ارگان منطقه‌ای، قادر نبوده است از عهدہ انجام همه وظائف خود برآید، یکی از ویژگیهای یک نشریه منطقه‌ای آن است که به زبان محلی منتشر گردد تا از این طریق توده‌های زحمتکش هر چه بیشتر آگاهی سیاسی کسب نمایند و تعداد دبشنری آنان، امکان مطالعه و استفاده از آن را بیابند. ریگای گول از این ویژگی برخوردار نبوده و انتشار آن به زبان کردی امکان پذیر نشد و کماکان به تعویق افتاده است.

ریگای گول به مثابه یک ارگان سیاسی تبلیغی، شرویحی که قادر باشد نقش کاملی در جهت و در خدمت سازماندهی و برپائی شکل‌های مشخص توده‌ای، ایضا نماید، دچار نارسائی‌هایی بوده است. طی این دوره، گزارش‌های دقیق از انکال مبارزات توده‌ای که در یک رابطه تنگاتنگ با سازماندهان و با پیشروان اینگونه مبارزات تهیه و ریگای گول

شدن رژیم به امپریالیسم آمریکا و علنیتر شدن این روابط می انجامد.

از همینرو است که امروز رژیم پیش از آنکه بخواهد همچنان به حفظ ظاهر فکسر کند و به ماسک فدا امپریالیستی نیاز داشته باشد، در اندیشه حفظ موقعیت و ثبات حکومت متزلزل خویش است. نیازمندی رژیم به حمایت امپریالیستها و در رأس همه آمریکا از همین زاویه است. یکی از عرصه‌هایی که دست کم خود رژیم تشبیت حکومت خود را منوط به آن میدانند، توانائی ادامه جنگ و کسب ... زمینهای در این زمینه است. اما ادامه جنگ نیز از جمله مستلزم تا مین سلاحهای مغرب و تجهیزات نظامی امپریالیستی و خصوصاً آمریکا می‌باشد. ضمن سرکوب انقلاب، قدر قدرتی خود را به نمایش بگذارد و حکومت را تشبیت شده بنمایاند تا اعتماد دولتهای امپریالیستی را بیش از این بخود جلب کند.

نیازی به توضیح مفصل نیست که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از همان ابتدای به قدرت رسیدنش در راستای اهداف امپریالیستی و تحکیم مناسبات استثمارگرانه سرکوب انقلاب و گسترش پان اسلامیم قرار داشته است. بی شک اینگونه مشغله‌های رژیم نمی توانسته است مشوق حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم امپریالیست‌ها از رژیم نباشد. برای مینا تلاش‌های دوجانبه امپریالیستها و رژیم جمهوری اسلامی در جهت عادی سازی مناسبات فیما بین و خریدار بزار و ادوات جنگی نه بی سابقه بوده است و نه دور از انتظار! تقویت رژیم ارتجاعی در مقابل با کارگران و زحمتکشان هواره مدنظر امپریالیستها بوده و به آن ذبح‌لقه بوده اند. اعترافات سران رژیم در این زمینه نیز خودگویی این واقفیت است، رفسنجانی میگوید: "از این کشورهای جنوب خلیج فارس، همین شورای هماهنگی، وزرای خارجه‌شان بطور رسمی به ما پیغام دادند که آمریکا نمیخواهد با شما خصومت کند، و حاضر به مسائل شما بر سره و نپایزهای تسلیماتی شما رویده!"

این سخنان رفسنجانی ضمن آنکه سیمای ضد انقلابی جمهوری اسلامی را روشن ترمی سازد، موبدان است که از لحاظ ماهوی رژیم تا به آن درجه مطلوب امپریالیسم بوده است که نپایزهای تسلیماتی اش را بر آورده سازد، مناسبات تاکتونی رژیم جمهوری اسلامی با دول

پان اسلامیسیم

"میانه روها" و

امپریالیسم!

امپریالیستی جز تا پیدایین مسئله نبوده است. بعنوان نمونه مناسبات بسا رژیم امپریالیستی فرانسه، اضاء یادداشت‌های تفاهم میزوقرار دادهای مالی و اقتصادی فیما بین وعادی سازی مناسبات دوطرفه، زائل شدن خرده اختلافت مربوطه که حتی زما توسط وزرای خارجه دو کشور مطرح گردیده است و با ملاقات وزیر دفاع انگلستان با یک هیئت نمایندگی ایرانی در لندن و تحویل تانک‌های چیفتن به ایران و با مذاکرات یکی از بزرگترین شرکت‌های الکترونیکی این کشور در زمینه فروش پیشرفته ترین دستگا‌های رادار و هدایت پرواز و خرید صدها موشک و قطعات جنگی هواپیما از ایتالیا و دهها نمونه دیگر، همه همه حاکی از مطلوبیت بسا زار ایران برای کالاهای امپریالیستی است. اما افساء مذاکرات اخیر سران رژیم با نماینده امپریالیسم آمریکا و حمل تجهیزات نظامی به تهران، از آنسترو درخور اهمیت و قابل توجه است که اوضاع بنفایت و خامت با رژیم را به آشکارا انعکاس میدهد. اوضاعی که بر بستن بحران انقلابی و رشد نارغابیتی کارگران و زحمتکشان و تشدید مجادلات درونی، جناح با مطلع دوراندیش را که تمایل زیادی به انطباق خود با ملزومات مورد علاقه امپریالیسم نشان میدهد، جهت رهائی از بن بست و تنگنا‌های موجود به تقلا انداخته است تا استثمار منافع سرمایه را تأمین کند. امپریالیسم آمریکا نیز بر آن است تا با بیش جنبه‌های زیانبسار پان اسلامیم که میتواند آرامش و امنیت با بطبع سرمایه داری و منافع او را موقتا در منطقه به خطر اندازد، با رژیم ایران و بر طبق ملزومات امپریالیستی خود مناسبات عادی برقرار کند، چنین است مضمون اصلی تلاشهای رژیم در راستای بسا امپریالیسم آمریکا و بالعکس. این تلاشها اما بطور اجتناب ناپذیری اختلافت درونی رژیم را با زهم تشدید میکند، هر دو جناح، نیروهای خسود را فشرده ترو متمرکز ترمی سازند تا علیرغم تهدیدات مکرر خمینی با زهم بر سر کسب قدرت رودر روی هم بایستند.

انگیزه امپریالیسم آمریکا در این میان، اضافه بر آنکه تعمیق بحران

اقتصادی نظام امپریالیستی و تشدید تفادهای درونی جامعه آمریکا، امپریالیستها را به برقراری و ایجاد رابطه و مناسبات همه جا نیه تریا رژیم ایران می کشاند، تا از طریق فسر و کالاهای نظامی خود بخشی از نیازهای مالی اش را بر آورده سازد و از ادا مناسبات بحران خود بکاهد، بهر مبنای محوری ترین خواست سرمایه بین المللی که کسب سود بیشتر است قرار دارد، بویژه آنکه امپریالیسم آمریکا بخوبی آگاه است که تجهیزات و کالاهای نظامی و در جهت مرکز کارگران و زحمتکشان بکار میبرود.

اقدام اخیرریگان اعزام سفیر فارلین به ایران و فروش سلاحهای مورد نیاز رژیم هر چند که از سوی برخی سیان صاحبان صنایع بزرگ و نمایندگان سیاسی آنها اقدامی عجولانه تلقی گردید. آنان ظاهرا با کمک به رژیم بی ثباتی که نمیتوان آینده روشنی برای آن متصور بود مخالفت میکردند. اما روشن است که در کل دولت امپریالیستی آمریکا علیرغم این جنجالها و خرده اختلافت درونی، از اینگونه شامسها با "رهبران میانه رو" اطلاع داشته و آن را موافق منافع خود دیده اند. جناحهای مخالف در درون بلوک امپریالیستی به هیچ وجه مخالف آن نیستند که سوده‌های کمتری نمایان شود، و طریق اولی مایل به آن نیستند که خیزشهای انقلابی کارگران و زحمتکشان طوما رژیم ارتجاعی و نظام سرمایه داری را در هم نوردند، اختلافت کم رنگ میسازد این جناحها، بر سر برقراری روابط بسا رژیمی که در عرصه جهانی عمیقاً رسوا گردیده است، موجب بی آبرو شدن خود و کاهش درجه اعتبارشان میدانند، اما ترس از انقلاب خونین فردا، همه این خرده اختلافت را تحت الشعاع قرار میدهد. امپریالیست‌های آمریکائی نیز دریافته اند که وضعیت رژیم تا بدان حد وخیم است که بدون کمک‌های بیشتر آنان، قادر به حفظ و بقا خود و بویژه حفظ نظام استثمارگرانه کنونی نیست. نا پایداری رژیم و خطر کاملاً جدی که از سقوط او بطور قطع نظام سرمایه داری و منافع امپریالیستی را نه در حرف و پویش الفاظ عوام فریبانه، بلکه در عمل و با اقدام انقلابی و مستقیم توده‌ها تهدید میکند، همان انگیزه‌ای است که در مقطع کنونی در اعزام مک فارلین و برقراری روابط حسنه با ایران تجلی می یابد.

پایداری از: جنبش ملی آذربایجان

و انواع تحقیرها و ستمهای ملی و فرهنگی از جانب حکومت ارتجاعی وقت قرار گرفت. ظلم و تعدی بیش از حد خوانین در حقیقت دهقانان، غارت و چپاول و سرکوب لجام گسیخته توده های زحمتکش توسط ائندازها و دسته های مسلح رژیم در جهت حفظ مناسبات استعمارگرا نه و تحکیم پایه های نابرابری و ستمگری ملی زمینه امتسلا جنبش انقلابی - دمکراتیک آذربایجان راهوار ساخت. بر بستر چنین شرایطی خیزشهای توده ای و شکل گیری جنبشهای ملی در تضاد با رژیم دیکتاتوری پهلوی امری اجتناب ناپذیر بود.

"فرقه دمکرات" با طرح شعار "مختاریت آذربایجان" توانست حمایت اکثریت عظیمی از اقشار توده های آذربایجان را بسوی خود جلب نماید. "فرقه دمکرات" پس از اختلاف بسیار حزب توده "مرا مانمای در ۱۲۰۰ بستند و بدین ترتیب بمرصه "عملی" مبارزه با دولت مرکزی پای گذارد و رهبری جنبش ملی را بدست گرفت. مضمون و محتسوا ی "مرا مانمای فرقه دمکرات" که حکم برنامه این جریان را داشت، اهداف و سیاست مشخصی را در برداشت که ناشی از درک محدود و نادرست رهبران "فرقه دمکرات" از مسئله ملی بود.

رهبری "فرقه دمکرات" بنا به ماهیت طبقاتی اش از اتخاذ راه حل اصولی که بتواند دهقانان و زحمتکشگان آذربایجان را حول برنامه و خواسته های مشخص دمکراتیک و انقلابی متشکل سازد عاجز بود. در حالیکه دهقانان که نقش بسیار مهمی در قیام بر علیه حکومت مرکزی ایفا میکردند و از جو روستا نشین و فئودالها و حکومت پشیمان این طبقه رو بزوال بسوء آمده بودند، "فرقه دمکرات" نه تنها به ماداره اراضی ملاکین و فئودالها و تقسیم آن میان دهقانان بی توجه ماند و به حل انقلابی مسئله ارضی پاسخ مناسبی نداد، بلکه منادی صلح و آشتی دهاقین با فئودالها گردید و از این طریق برای اعمال ستم فئودالی نسبت به دهقانان صده گذاشت. ارتجاع حاکم که از گسترش دامنه جنبش به دیگر نقاط ایران سخت به وحشت افتاده بود به اعمال فئودال سرکوب خلق آذربایجان شدت بخشید. در چنین شرایطی

رهبری "فرقه" بجای ترویج و تبلیغ روحیه وحدت و همبستگی در میان طبقه های ایران بطرح شعارهای کور و تنگ نظرانانه ناسیونالیستی پرداخت و عملاً با طرح شعارهای انحرافی شونینسیم ترک را جایگزین شونینسیم عظیمت طلبانه فارس نمود و از این طریق به تلاشهای تفرقه افکنانه میان خلقها که از جانب حکومت ستمگر مرکزی پیش کشیده میشد دامن زد.

سارمان جنبش ملی آذربایجان عمدتاً بخاطر نبود یک رهبری لایق بسر رأس آن که قادر به درک انگیزه های مشخص و تاریخی توده های شرکت کننده در جنبش باشد و گامهای جدی و انقلابی در جهت عملی ساختن خواست دمکراتیک توده ها بردارد با حمله ارتش سرکوبگر درهم شکست. خلق آذربایجان برخلاف رهبران بی کفایت که در شرایط دشوار صحنه مبارزه را ترک نمودند، با ایثار و فداکاری خود در مقابل ارتجاع حاکم، پایداری و استواری خود را در راه احقاق حقوق خود به اثبات رسانید.

تجربه جنبش ملی آذربایجان در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ و تمامی تجارب جنبش های ملل دیگر تحت ستم بعد از آن، روشن نموده است که در عصر کنونی و دورانی که بورژوازی مدتهاست آغاز به گنبدگی کرده است و رسالتی جز اغلال در جنبش توده ها و مقابله با انقلاب ندارد، رسالت رهبری این جنبش ها بردوش طبقه دیگری نهاده شده است، طبقه ای که اساساً انترناسیونالیست است و به حل مسئله ملی نه در چارچوب تنگ ناسیونالیستی و جنبش یک ملت و در داخل یک کشور کثیرالملله، که در عرصه انقلاب سراسری و وحدت و همبستگی ملیت های یک کشور پاسخ میدهد و بر ضرورت پیوند این جنبش ها با جنبش کارگران و زحمتکشان سراسر ایران، تاکید میورزد، امری که نه تنها رهبران "فرقه دمکرات" بلکه مدعیان امروز رهبری جنبش خلق کرد نیز پس از تجارب تلخ و شکست غم انگیز جنبشهای آذربایجان و کردستان هنوز بدون درکی واقعی از جنبش "ملی" در پوسته خشک ناسیونالیسم منحسب و پوسیده ای که میراث بورژوازی است تشبیه و با طرح شعارهای ناسیونالیستی، از حکومت بورژوازی جمهوری اسلامی "خودمختاری" مطالبه میکند.

با درس آموزی از تجارب خونین تاریخی و با تاکید بر هم سر نوشتی کلیه

ملل تحت ستم ایران، مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را برای استقرار جمهوری دمکراتیک خلق رهبری طبقه کارگرو تانمین برابری ملی شدت بخشیم.

بازگشت

در بافت کرده باشد بسیار محدود بوده است. از سوی دیگر مجموعه شرایط موجود در کردستان، خصوصاً پیشرویهای رژیم و دست رفتن مناطق آزاد شده و به تبع آن محدود گشتن امکان حضور و تانمین و نیروهای انقلابی در این مناطق، از جمله عوامل بسیار مهم در این نارسائی بوده اند که بعنوان موانعی جدی در روشن ساختن و پیوژه ایجاد آن مناسبتترین اشکال تشکل های انقلابی منطبق بر خواست های کارگران و زحمتکشان خلق کرد در دوره انقلابی کنونی بوده است. بر همین اساس، رهنمودهای ریگای که در این زمینه عموماً از توضیح و تشریح کافی برخوردار نبوده است.

از دیگر وظایف نشریه منطقه ای آن است که مقالات و مطالب ارگان سراسری را به زبان عامه فهم تبلیغ و ترویج نماید. باحتی عین مقالات مهم آنرا و پیوژه آن دسته از مطالب که با توجه به وضعیت منطقه و از نقطه نظر مبارزات توده ها میتواند تاثیرات و برد بهتری داشته باشد درج نماید و یا آنکه قسمت هایی از یک مقاله را نقل کند تا از این طریق کارگران و زحمتکشان منطقه هر چه بیشتر با عنوان ارگان مرکزی (سراسری) بسا ایده داشتن یک نشریه دائمی خودشان، با ایده داشتن یک مرکز رهبری یا بشولرژیک برای خودشان، یعنی آن مآخذی که قادرند همیشه به آن مراجعه نمایند، هر چه بیشتر آشنا گردند. ریگای که ل اما در این زمینه، و در ساده کردن مقالات ارگان سراسری (کار) و یا تجدید چاپ و خلاصه نمودن مطالب آن، گام برداشته است، هر چند که در اساسی ترین وجوه از آن بهره مند گشته، از اهداف ترویجی و تبلیغی آن مستفیص بوده و در راستای همان اهداف ره بر نموده است.

در خاتمه با تلاش در جهت از میان برداشتن نقاشی فوق الذکر - تا آنجا که در توان است - و با هدف تکامل نشریه، به پنجمین سال انتشار ریگای که ل، بسا سخت کوشی و استواری کمونیستی گام می نهیم.

پیرامون . . .

است در عین حالیکه از هم اکنون علیه نگهداری اجباری ملت‌ها در محدوده مرزهای یک دولت معین مبارزه مینماید، در جهت خنثی سازی تمامی تالیفات مناسبت‌سورژوا - ناسیونالیستی که در میان ملت‌ها رسوخ دارند و معمولاً تلاش‌های تفرقه افکنانه خود را در غالب طرح‌ها و شعارهای انحرافی به پیش می‌برند نیز مبارزه نماید.

در جمهوری دمکراتیک خلق منافع پرولتاریا را ایجاد میکند که ملل تحت ستم ایران مشترکاً یک دولت مقتدر تشکیل دهند. وحدت ملت‌ها امر تکامل جامعه را تسهیل مینماید. همچنین تشکیل یک دولت مقتدر برای کلیه کارگران و زحمتکشانی ملل تحت ستم سودمند است، چرا که اتحاد دوسانه و تشریک مساعی و کمک متقابل و جانشینان ملت‌ها بیکدیگر در حل معضلات اقتصادی - اجتماعی و اجرای دقیق قوانین اساسی دمکراتیک توسط دولت کارگران و زحمتکشان سراسر ایران نه تنها بلکه عالیترین شکل ممکن منافع توده‌های زحمتکش را تضمین مینماید، بلکه ملیتهای ساکن مناطقی که در عقب ماندگی بیشتری بسر می‌برند سریعتر خواهند توانست به ترقی و رشد اجتماعی دست یابند.

مهمتر اینکه نقطه عزیمت در اتخاذ یک چنین سیاستی منافع کلیه پرولتاریا از هر ملیتی است. پرولتاریا سراسر موقعیت تاریخی - اجتماعی اش گرایش به تمرکز دارد. کمونیست‌ها، کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود بر خلاف ناسیونالیست‌های بورژوا امر طبقاتی را بر امر ملی مقدم می‌شمارند. وحدت منافع روحیه همستگی را در بین این طبقه قویا تقویت مینماید. بر همین اساس پرولتاریای آگاه خود را موظف میدانند تا با تلاش برای تقویت روحیه اتحاد در بین ملت‌ها در جهت بهم آمیختن کلیه کارگران به لحاظ سیاسی و تشکلاتی بکوشد.

دنگا میگوید در دمکراسی انقلابی حاکمیت از طریق دخالت مستقیم توده‌ها در کلیه امور جامعه صورت می‌گیرد. فلسفه است طبقه کارگر برای حصول یک دولت

مشترک و مقتدر نه روش بوروکراتیک بلکه روشی دمکراتیک را پیش می‌برد. این اتحاد ملت‌ها نه اجباری، بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود.

در جمهوری دمکراتیک خلق هر ملیتی که خواستار جدائی است آزاد است تا در جهت تعیین مسرزندگی و سرنوشت خویش از چارچوب کشوری خارج گردد و با مراجعه به آراء اتحاد خود راه تشکیل دولت مستقل را برگزیند.

آنچه در این خصوص باید در نظر داشت طبقه کارگر مسئله جدائی را بعنوان اصلی عمومی و جامع دولت انقلابی دمکراتیک از زاویه منافع مبارزه طبقاتی و توسعه اجتماعی (در شرایط جمهوری دمکراتیک خلق که مستقیم‌ترین جامعه به سوسیالیسم است) و ارزیابی شرایط مشخص متقاضیان آن به مرحله اجرا درمی‌آورد.

شکل تحکیم پایه‌های دمکراسی انقلابی که مبنای آن در بخش حداقل برنامه طبقه کارگر روشن گردیده است، بطور بلاواسطه ستم طبقاتی نه تنها از جامد رخت بر سر نمی‌بندد بلکه برجسته‌تر و نمایانتر میگردد.

از همین رو تالیفات طبقاتی درون ملت‌ها تشدید می‌شود و توده‌های زحمتکش با کسب حقوق دمکراتیک خویش در خواهند یافت که عامل اصلی ستمگری نه فقدان حقوق برابر ملی که حتی به کمترین شکل آن یعنی آزادی جدائی نیز دست یازیده‌اند، بلکه سرمایه‌داری است. درک همین واقعیت است که اتحاد سراسری کارگران و زحمتکشان ملت‌های تحت ستم بیش از پیش تحکیم می‌یابد و آنان در جریسان مبارزه برای انهدام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم بطور فطری از پیوستن طبقاتی رها شده و برابری

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همانند تمام رژیم‌های سرمایه‌داری رژیم ستمگری ملی است.

این رژیم حقوق و خواسته‌های برحق و عادلانه ملیت‌های تحت ستم کرد، ترک، ترکمن، عرب و بلوچ را با خیال نموده است.

از مبارزات و خواسته‌های برحق و عادلانه ملیت‌های تحت ستم دفاع کنید

با يد حق تعیین سرنوشت برای کلیه ملل ساکن ایران به رسمیت شناخته شود و ملل تحت ستم آزادانه تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کنند.

حق تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته کردستان

واقعی‌شان تامین میگردد، هرملتی که تمایل به جداسدن نداشته باشد و آزادانه و داوطلبانه اتحاد و همستگی با ملت‌های دیگر را بپذیرد در مناطق خود از وسیع‌ترین خودمختاری برخوردار خواهد بود. طبقه کارگر در مقام رهبری جامعه انقلابی که در روستاهاش ملزم به رعایت اصل مساوات است، لیکن از آنجا که توسط دمکراسی

در مواردی که ملیت‌ها آزادانه جدا شده و دولت مستقل تشکیل میدهند طی یک مرحله چنانچه هرملتی به ضرورت درک جنبه‌های مثبت اتحاد سراسری واقف گشته و تمایل به اتحاد گردد، خواهد توانست به اتحاد سراسری ملیتهای ساکن کشور بپیوندد. به حال کارگران و زحمتکشان ملل تحت ستم در جمهوری دمکراتیک خلق سراسر کشور با هم متحد می‌گردند و در کمالات

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم ملت‌هاست

پیرامون . . .

انقلابی اصل انتخاب آزادانه تعیین سرنوشت برای ملل ستمدیده را تضمین می نماید، حاکمیت خودمختار - ملل را نیز برسمیت می شناسد و از این طریق با انترالیسم دمکراتیک خویش راه پیش میبرد. قابل توجه اینکه برسمیت شناختن خودمختاری وسیع منطقه ای از سوی طبقه کارگر و مرکز دولتی - جمهوری دمکراتیک خلق را نقض نخواهد کرد. تحقق عملی خودمختاری وسیع منطقه ای تأییدی از تشبیت پایه ها و مصالح کلی دمکراسی انقلابی است و در چارچوب جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان و راستای تأمین حق تعیین سرنوشت ملیتها در برنا مه بیرون ریا تضمین گشته است. البته خودمختاری وسیع منطقه ای با ملاحظه شرایط اقتصادی - اجتماعی ترکیب ملی و اختلافات جغرافیائی یک ملت، مشخص منطبق خواهد گشت.

روشن است تا مین خودمختاری وسیع منطقه ای در راستای تحقق شعار محسوری طبقه کارگر در باره حقوق ملیتها تفسیر داشته و نه تنها با آن مغایرتی ندارد بلکه را با محتوا و مضمون واقعی آن را بیان میدارد.

تاکید طبقه کارگر بر وسیع بودن خودمختاری در جمهوری دمکراتیک خلق مضمون و محتوای این خواست مشخص را از مضمون و معنا سیر محدود آن در شرایط حاکمیت بورژوازی متناهی میگرداند. هر ملتی که زندگی در جمهوری دمکراتیک خلق را پذیرد، مجاز است حکومت خودمختار خود را تشکیل دهد. این حکومت خودمختار از سببترین اختیارات در زمینه اقتصادی و فرهنگی برخوردار گشته و اختیارات آن در اداره امور داخلی منطقه خویش تأمین میگردد.

هر ملتی که بنا بر خواست و آراء عمومی خویش خودمختاری را در حیطه جغرافیائی سرزمینش تشکیل میدهد، بر پایه حاکمیت شورا های کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق، کنگره شورا های نمایندگان که برای آزاد، مستقیم و مخفی شده هسا انتخاب گشته اند را بنا به عالمتربین ارگان حکومت منطقه خود مختار تشکیل خواهد داد. کنگره شوراها در منطقه خود مختار .

بجز امور مربوط به سیاستهای خارجی، دفاع ملی، سیاست پولی و ارزی که بر عهد دولت جمهوری دمکراتیک خلقهای ایران است، قوانین محلی و روابط اجتماعی - اقتصادی ... شامل قوانین انتظامی، قضائی، اداری، فرهنگی، بهداشتی ... را در منطقه خود مختار تنظیم می نماید.

شورای اجرائی منتخب کنگره بر تارک حکومت منطقه خود مختار موظف است بر اجرای کلیه قوانین و تصمیمات کنگره عالی منطقه نظارت نماید.

هر حکومت خود مختار بنا بر مصالح و منافع کارگران و زحمتکشان در همان جهتی که برخواهد داشت که جمهوری دمکراتیک خلقهای سراسر ایران، چرا که تحکیم اتحاد انقلابی کارگران و زحمتکشان رمز باینداری جمهوری دمکراتیک خلق و رشد و ترقی و پیشرفت اجتماعی جامعه انقلابی ایران است.

بدیهی است در هر شرایطی تأکید بر جنبه بر خودمختاری بدون دفاع صریح و بی چون و چرا از شعار حق ملل در تعیین سرنوشت خویش نمیتواند روشی مارکسیستی تلقی گردد. هرگونه امتناع از طرح شعار حق ملل در تعیین سرنوشت خویش بهانه های گوناگون و یا ابهام برانگیزی در باره مضمون آن که حق جدائی و تشکیل دولتهای مستقل را بیان میدارد صرفاً یک ظفر روی جیونانه و یا سیغیستی و زمینه ساز برای شاعا ایدیه های لیبرالی و ناسیونالیستی در بین کارگران و زحمتکشان ملل است.

هنگامیکه برخی نیروهای مدعی مارکسیسم با پذیرش لفظی حق ملل در تعیین سرنوشت بجای بسط این شعار در فعالیت عملی و روشنگری در باره مضمون آن، "خودمختاری" را اردولتهای بورژوازی که ماهیتا استمگرند طلب میکنند در واقع نه تنها نخیلات اتوبی خود را بر ملا میماند، بلکه روشن میکنند که فریبکارانه شعار حق ملل را فقط در حرف برسمیت می شناسند. خود مختار ایسان در بهترین حالت فرا تراز "خود مختاری فرهنگی ملی" و یا تعابیر دیگری از خودمختاری که بر اساس حفظ تمامیت ارضی میهن سرمایه داران عرضه میگردد نخواهد رفت.

یافتاری اکید بر شعار حق ملل در تعیین سرنوشت خویش در برنا مه طبقه کارگر و پذیرش بی چون و چرا آن هرگونه ظفر روی و یا لوسی جریانات ناسیونالیست و فرمیست در باره حقوق واقعی

ملل تحت ستم را بر ملا وجهه آسان را افشاء نموده است. زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش!

انقلاب اکتبر . . .

انقلاب سرخستا نه جنگید و در برابر پارلیان ارتجاعی از نهادهای شورائی دفاع کرد و با لخره با واژگونی دیکتاتوری بورژوازی، دیکتاتوری کارگران و دهقانان را مستقر ساخت.

وحشت دشمنان حزب بلشویست، بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن نیز از قاطعیت و گذشت ناپذیری این خط منشی ریشه میگرفت. حزب بلشویک بمعنای حزب انقلاب اجتماعی در حساسترین لحظات سرنوشت انقلاب نیز به آرمان پرولتاریه جهانی وفادار ماند. حزب با اعلان جنگ آشکاره بورژوازی، سایه به سایه دشمنان طبقه کارگر را تعقیب نمود و در حد تریس مراحل مبارزه طبقاتی بر شدت آشناری به قلب جبهه سرمایه افزود.

در دوران یک چنین نبرد سختی بود که صحت و حقانیت برنامه، سیاست و تاکتیکهای کمونیستی حزب در عمل شده ها محک خورد، و ارسا گردید و اعتماد اکثریت جامعه روسیه را به سمت رهبری انقلابی طبقه کارگر جلب نمود و در جریان یک چنین نبردی نیز بود که ماهیت واقعی احزاب و جریانات غیر پرولتاری بر ملا گشت و کلیه آنان از نظر مسلکی و سیاسی شکست مواجه شدند و در بین نوده ها منزوی گشتند.

طبقه کارگر قهرمان روسیه با یک چنین خط منشی حزب پیشا هنگش بیست و پیروزیهای درخشان اکتبر بر بورژوازی نائل گشت و با تکامل یک چنین خط منشی با اعمال دیکتاتوری پرولتاری، مقابلهت بزرگترین سرمایه داران و ملاکین را در نیم شکست و در جهت تغییر ساختمان جامعه طبقاتی روسیه به جامعه سوسیالیستی گام برداشت.

۶۶ سال پس از الگرد انقلاب اکتبر، مارش نظرمون آن همچنان در سرا سر جهان طنین انداز است و طبقه کارگر جهانی به ارسا پیروزی غرور آفرین افتخار می نماید. با وفاداری به آموزشهای حزب بلشویک و رهبرداهی آن لنش، سالگسرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و بساد چا شناختگان آنرا گرامی میداریم.

مهابان

اخبار جنبش توده‌های



یکبار دیگر نیروهای سرکوبشراهای منطقه "جومی مه‌چی خان" راجت فشار قرار دادند و عمده‌ای از جوانان منطقه را دستگیر کردند و به پایگاهها منتقل نمودند تا بخواست رژیم ملج شده و از مراکز نظامی رژیم در کردستان محافظت نمایند. مقاومت اهالی منطقه "جومی مه‌چی خان" در برابر سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگری رژیم همچنان ادامه دارد. هم‌اکنون تعدادی از جوانان به آن امتناع از رفتن به سرپازی و شن ندادن به خواست رژیم در کوههای اطراف منطقه بسر می‌برند.

همچنین روستاهای "گردی به‌روان" "بیره"، "بیره‌جو"، "میره‌دی"، "خال ده‌لیل" و "پیر میکاشیل" در بخش "پالنه‌سیر"

مهاباد در نیمه دوم مهرماه همزمان به محاصره نیروهای سرکوبگر درآمدند. مزدوران با اعمال زور و سرکوب اقدام به دستگیری جوانان نمودند که طی این اقدام وحشیانه تعدادی از جوانان دستگیر شدند.

این دستگیریها، اعتراض اهالی را برانگیخت و در روستای "خال ده‌لیل" مردم از زن و مرد و پسر و جوان با سنگ و چوب‌دسته مزدوران حمله بردند که در نتیجه آن دو مزدور نیز زخمی شدند.

همچنین روز ۲۵ مهرماه از سوی نیروهای سرکوبگر نظیر، شهریانسی، ژاندارمری و سپاه پاسداران، چند محله و خیابان از جمله "اسحاب‌سی"، "کاشی" صوفی بله و "مجبورآباد" شهر به محاصره درآمد. اهالی این محلات در مقابل اقدام مزدوران برای دستگیری جوانان و اعزام آنان به پادگانها و مراکز، لامسی به اعتراض پرداختند. مزدوران برای پراکندن تجمع اعتراضی مردم به تیراندازی توپل جستند که با خشم اهالی مواجه گشتند. آنها با سنگ و چوب‌دسته به ما شین مزدوران حمله ور شدند که سرانجام مزدوران ناچار به ترک محل گردیدند.

مزدوران رژیم فدخلفی چپ سوری اسلامی در ادامه سیاستهای ارتجاعی و

۳ نفر از جوانان روستا را دستگیر کردند. اهالی به دستگیری جوانان اعتراض نمودند. جوانان اقدام به فرار از چنگ مزدوران مینمایند که هدف تیراندازی قرار میگیرند. اهالی در مقابل این اقدام مزدوران اعتراضات خود را تشدید نمودند.

روز ۱۶ مهرماه نیز روستای "شارانی" به محاصره مزدوران درآمد. مزدوران با توسل به تهدید و اراغاب ۳ نفر را دستگیر نمودند. اهالی با اعتراض از خروج دستگیرشدگان از روستا جلوگیری کردند و مزدوران را وادار به عقب‌نشینی نموده و دستگیرشدگان آزاد گردیدند.

کامیاران

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در نیمه دوم مهرماه بمدت چند روز روستاهای "مازنج"، "موجز" را در مسیر جاده کامیاران - "دی گولان" به محاصره خود درآوردند و با همکاری جاسوسان محلی و شوراها ی اسلامی به جستجوی افراد مشمول و متواری از سرپازی پرداختند. مزدوران به‌رغم تلاش فراوان، فقط توانستند چند تن از جوانان را دستگیر نمایند که اغلب آنان نیز همین انتقال به پادگان موفق به فرار میگرددند.

اعتراضات توده‌های علییه سرپاژی ارباری

مریوان

روز ۱۵ مهرماه مزدوران مستقر در پایگاه "وله‌زیر" روستا را به محاصره درآورده و با خاندگرددی و ایجاد ترس و اراغاب ۲۰ نفر از جوانان را دستگیر می‌نمایند. اهالی دسته‌جمعی به پایگاه رفته و ضمن اعتراض به خانه‌گردی خواستار آزادی دستگیرشدگان میگرددند. مزدوران در مقابل اعتراض اهالی، جوانان را به سمت مریوان و ستندج حرکت میدهند که در بین راه جوانان دسته‌جمعی موفق به فرار گشته و با بازگشت به محل کار روزندگی خود تلاش مزدوران را بی‌نتیجه میگذارند. همچنین طی سه‌روز متوالی در نیمه مهرماه روستای "تالمانه" در محاصره مزدوران رژیم قرار داشت. مزدوران با کنترل تردها اهالی و اقدام به خانه‌گردی

☆
اخبار جنبش توده‌ای

بانه

برآنان ادامه یابد دسته‌جمعی روستا را ترک خواهند کرد.
- مزدوران سپاه پاسداران شهرت "کارمهرده" نیز در روز ۱۶ آذر ماه سه کمک تنی چند از عمار خود فروخته شورادال اسلامی و مرتجعین محلی تعدادی از مردم روستاهای اطراف را با تهدید و فشار در شهرک مذکور جمع میکنند و از آنها میخواهند که هر خانواده ۵،۴ نفری باید یکی از اعضا خانواده را برای شرکت در جبهه‌های جنگ ارتجاعی معرفی نمایند. زحمتکشان ضمن مخالفت آشکار با این خواست فداانقلابی از گوش دادن به سخنان این مزدوران سرباز زده و عملاً نیروهای رژیم را در انجام این سیاست ارتجاعی ناتمام می‌سازند.

در تاریخ ۳۰ آبان ماه، مزدوران رژیم به روستای "کوخه مامو" واقع در بخش "پشت‌نار" به "بمنظور دستگیری جوانان و اعزام آنان به جبهه‌های جنگ ارتجاعی یورش می‌برند، اما زحمتکشان روستا با اتحاد خود دست به اعتراض زده و جوانان را از روستا فراری میدهند. مزدوران موفق میشوند یک نفر از جوانان را دستگیر کنند اما مجدداً با اعتراض یکبارچه زحمتکشان روپروگشته و ناچار او را آزادی سازند.

جنگ طلبانه خود روز ۱۸ آبان ماه روستا "کیتگه" در "گسه‌ورک" مهاباد را محاصره کرده و در صدد دستگیری جوانان و اعزام آنها به جبهه‌های جنگ ارتجاعی برمیایند. زنان زحمتکش روستا به محض اطلاع از حضور مزدوران در روستا با چوب و سنگ به جاشها و پاسداران فداخلفی حمله ور میشوند و مزدوران را که از خشم اهالی زحمتکش دچار وحشت شده و اقدام به تیراندازی هوایی نموده بودند از روستا بیرون میرانند و با همبستگی خود یکبار دیگر توطئه سرکوبگران راناکسام میگذارند.

سفر

نیروهای سرکوبگر رژیم روز ۲۴ مهر ماه روستای "ده ریاه" در بخش سرشوبسفر را مورد یورش خود قرار دادند آنان با اعمال زور به این بهانه که میبایست برای دفاع از خود در مقابل پیشمرگان مسلح بود، از زحمتکشان میخواهند تا برای رژیم مسلح شوند. زحمتکشان تن به این خواست مزدوران نمی‌دهند. مزدوران برای اعمال فشار، ۳ روز در روستا حکومت نظامی برقرار میکنند، که در نتیجه ایستادگی و مقاومت اهالی، پس از ۳ روز مزدوران بی آنکه به هدف ارتجاعی خود دست یافته باشند روستا را ترک می‌کنند.

تسلیح اجباری با آنها به مقاله انقلابی پرداختند اما مزدوران با بیجا گذاشتن ملاحها در مسجد، روستا را ترک کردند. اهالی در اعتراض به این اقدام به شهر با سه مراجعه نمودند، اما در مقابل بی توجهی سران مزدوران، به روستا برگشته و در مسجد تحمّن مینمایند و خواهان لغو سیاست تسلیح اجباری میگردند. آنها برای جلب حمایت روستاهای اطراف تلاش میکنند و نمایندگان خود را به تهران فرستادند که سرانجام در نتیجه مبارزات اعتراض آمیز اهالی و پشتیبانی روستائیان اطراف، مزدوران و ادارسه عقب نشینی میگردند و سلاحهایی را که به زور به اهالی تحمیل کرده بودند پس میگیرند. در جریان مبارزه اهالی، نقش ارتجاعی شورای اسلامی روستا که سعی در تضعیف و به شکست کشاندن اعتراض اهالی را داشت، نفرت و انزجار زحمتکشان را برانگیخت و یکبار دیگر فدیت شورای اسلامی این نهاد ارتجاعی را که جزء ضامم ارگانهای دولتی محسوب میگردند با خواست و منافع توده‌ها آشکار گردید.

اعتراضات توده‌ای
علیه
تسلیح اجباری

بیانه

نیروهای سرکوبگر رژیم روز ۲۶ مهر ماه در روستای "نه‌شور" با توسل به زور مردان را در مسجد روستا جمع کرده و از آنان میخواهند تا مسلح شوند. اهالی تن به این خواست مزدوران نداده و در مقابل، چند نفر از آنان نیز مورد ضرب و شتم مزدوران قرار میگیرند و یک نفر بیعت شدت ضربات به بیمارستان شهر با نه مستقل میگردد. روستائیان علیرغم اینگونه فشارها خارجیه تسلیح نمی‌شوند و مزدوران با بیجا گذاشتن یک اسلحه در هر خانه، روستا را ترک میکنند. اما اهالی دست از اعتراض خود برنداشته و با مراجعه به شهر بانه در مقابل ادارات مربوطه سه مذاومتشان ادامه میدهند.
- روز سوم آبان ماه سران اهالی "خوری‌نار" در جریان فشار مزدوران برای

میریوان

روزدهم مهر ماه نیروهای سرکوبگر جهت تسلیح اجباری روستاهای "کالی‌بالا" و "کالی پاشین"، "ده‌ریان" و "یخان" راه محاصره در آورده و اقدام به دستگیری جوانان می‌نمایند. مزدوران همچنین اهالی را تحت فشار قرار داده و از آنان میخواهند که با بیعتی ننگی بر سر بدهند. زحمتکشان این روستاها همچنان بسته مقاومت خود ادامه میدهند و خرابی سیستم در برابر مزدوران نیستند.

☆ اخبار جنبش توده‌های

سرکوب وحشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و زبونی رژیم

در مقابله

جنبش انقلابی خلق کرد است!

بانه

روز هفتم مهرماه جاشهای خائن بمشظور سرپا زگیری به روستای "کا روستم" هجوم بردند، آنها عین دستگیری به ضرب و شتم اهالی نیز پرداختند که زحمتکشان به اعتراض برخاسته و جاشها برای نجات خود از خشم اهالی اقدام به تیراندازی بسوی مردم بیدفاع نمودند، در جریان این اعتراض عده‌ای از زحمتکشان توسط فرمانده سپاه پاسداران "نارمه‌رده" دستگیر و چند روز به اسارت درآمدند.

رژیم فدا نقلابی جمهوری اسلامی در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه‌اش اخیراً تعدادی از مزدوران موسوم به "گروه ضربت شهرهای سندج و کامیاران رایبه منطقه بانه گسیل داشته و روستای "کیله‌سور" از توابع "سورگیو" را مورد یورش قرار داده و از روز ۲۲ آبانماه با ایجاد فضای رعب و وحشت در این روستا و برقراری حکومت نظامی عملاً مانع عبور و مرور زحمتکشان گشته و ۶ تن از اهالی زحمتکش را دستگیر و روانه زندانها نموده، تحت چنبن شرایطی شمار زیادی از اهالی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و در این هوای سرد آواره شده‌اند.

سندج

روز ۲۲ مهرماه نیروهای سرکوبگر رژیم بمشظور استقرار یافته و در ضمن تهدید اهالی از آنان میخواستند تا محلی برای دایر کردن مقر در اختیار آنها گذاشته شود، اهالی روستا نه تنها مکانی در اختیار آنان نمی‌گذارند، بلکه متحدانه خواهان بیرون رفتن مزدوران از روستا می‌شوند، مزدوران سرکوبگر روز ۳۰ مهرماه مجدداً به این روستا هجوم می‌برند، مزدوران که قصد داشتند در مسجد روستا استقرار با بندها مقاومت و اعتراض گسترده اهالی مواجه میگردند، روستائیان با بیرون

در منطقه مها با در نتیجه‌های مهرماه مزدوران اهالی روستاهای "یهوشیم"، "بین گون"، "گوخان"، "خده سن چسب"، "هرمی" و "محمودشاوا" در بخش سندج را تهدید نمودند تا روستاهای خود را تخلیه نمایند، رژیم که از مدتها پیش سیاست سرکوب کوچ اجباری زحمتکشان کردستان را ادامه خود ساخته است، از بهار امسال عسرتیم اعمال فشارهای متعدد موفق به واداشتن اهالی این روستا به تخلیه محل کسار و زندگیشان نگشته است و اینبار روستائیان مقاومت و اعتراض جمعی اهالی فطرتاً رژیم را ناکام خواهد گذاشت.

چندین تن که جاشهای خائن منطقه "مینگور" با همدستی عده‌ای از زحمتکشان اهالی زحمتکش منطقه "گورک ۱" را تحت فشار میگذارد، روز ۱۱ آبانماه این مزدوران بدروستی "یالته‌مدر" رفته و بیخانه‌های مردم بیورش میبرند، در یکی از خانه‌ها با اعتراض زنان زحمتکش رویرو می‌گردند و هنگامیکه مزدوران تصمیم میگیرند و راه را در خود ببرند، زن زحمتکش با خوردن سم خود را مسموم می‌نماید بطوریکه در بیمارستان بستری میگردد.

در تاریخ ۲۵ و ۲۲ آبانماه جاشهای منفور روستاهای "قاران"، "قاران" در منطقه "گورک" میاناد را مورد حمله وحشیانه خود قرار داده و زحمتکشان این روستا را مورد یورش قرار میدهد، زحمتکشان روستا "قاران" با اتحاد خود در مقابل مزدوران دستگیر شده اعتراض میزنند و آنها را ناگرم می‌کنند، عقب نشینی می‌نمایند.

در تاریخ ۲۱ آبانماه شعبه باز مزدوران، خانه فرد زحمتکشی در یکی از مزارع پشت روستای "به‌رالی" را مورد هجوم قرار میدهند و راه را همسواران نابینایش از خانه سرون میکنند، بدین

کشیدن زسائل مسجد و انتقال آن به منازل خود مانع از استقرار مزدوران می‌شوند، نیروهای سرکوبگر در منطقه "سارال" سندج در روستاهای "دوزه‌غره"، "کول"، "هزارگانیان" و "قراقولیان" رفت و آمد روستائیان را از ساعات اولیه شب متنوع اعلام داشتند، این اقدام مزدوران زندگی و کار زحمتکشان را با مخاطره مواجه می‌سازد، از همین رو اهالی علیه آن دست به اعتراض می‌زنند، همچنین در نیمه دوم شهریورماه نیز در روستاهای دیگر همین بخش از جمله "که‌مه‌وناوا"، "هاله‌ده‌ره‌علیا"، "هاله‌ده‌ره‌سفلنسی" و "باپنجو" نیروهای سرکوبگر، حکومت نظامی اعلام داشتند، و هر کس را که از این تصمیم مزدوران سرپیچی کرده‌مورد ضرب و شتم قرار دادند، مزدوران جهت پیشبرد این اقدام سرکوبگرانه در موارد متعددی بسوی اهالی شلیک کرده و در اطراف روستاها مین گذاری نمودند و با اطراف روستاها سیم خاردار کشیدند، بی شک اینگونه اقدامات سرکوبگرانه و خفقان آمیز رژیم و اعمال فشارهای بی‌حد و حصر به توده‌های زحمتکش همانطور که کلبه‌تجارب تاریخی تاکنون نشان داده است، نخواهد توانست جلو مبارزات انقلابی آنان را مسدود نماید.

مهاباد

روز ۲۳ مهرماه مزدوران معروف به جاشهای منگور، اهالی روستای "گماردی" منطقه منگوران مهاباد را با زور اسلحه از خانه‌های خود بیرون رانده‌اند، تلاش اهالی برای بازگشت به محل کار روز زحمتکشان و اعتراض به عملکرد خائسانه جاشها، اکنون به نتیجه‌ای رسیده است.

اخبار جنبش توده‌های

پیش نیز دختران مرد زحمتکش توسط مزدوران دستگیر میگردد و هم اکنون در شکنجه‌گاههای رژیم ضد خلق زندانی است.

مزدوران جنایتکار رژیم از روز ۲۴ آبان ماه به دست مزدوران روستای "قالوی" محاصره و مورد تهاجم قرار داده و سپس با تهدید و ارباب‌رضرب و شتم بی حد موقت میشوند که زحمتکشان را وادار نمایند تعدادی اسلحه سبک را به آنان تحویل دهند.

زحمتکشان خلق کردستان بداندانند که تحویل سلاح به رژیم در حکم تسلیم به سیاستهای ارتجاعی اوست و مغایر با اهداف انقلابی و منافع توده‌های ستمدیده کردستان است. زحمتکشان خلق کردستان ۷ سال تحمل سرکوب و وحشیانه‌ترین اعمالی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی بر آنها اعمال گردیده. باید بدنبالی آنها باشند و هرگز در مقابل شواهدی با درخواستهای فداانقلابی وی سر تعظیم فرود نیاورند.

روز ۲۶ آبان ماه پس از سه روز محاصره و سرکوب زحمتکشان توسط مزدوران، مستقر در ایستگاه روستای "قالوی" میبندید. جنایتکاران جمهوری اسلامی موفق میشوند تعدادی اسلحه از زحمتکشان این روستا تحویل بگیرند. روز ۳۰ آبان ماه مجدداً سرکوبگران به این روستا حمله و میبندند و ۳ تن از زحمتکشان را دستگیر و به پایگاه روستای "قالوی" به بان "مبیرند" مزدوران در همان شب ۲ پسر مرد زحمتکش را در روستای "قالوی" به یگان شیر دستگیری نماینده و از آنجا میخوانند که سلاح تحویل بدهند، اگراد دستگیرنده دست به اعتراض میزنند و مزدوران رژیم برای تسلیم دستگیرندگان اقدام به شکنجه و ضرب و شتم آنان می نمایند.

زنان زحمتکش روستای "قالوی" به یگان "در اعتراض به این اعمال جنایتکارانه و برای رهایی افراد دستگیر شده با سنگ و چوب به افراد پایگاه حمله و میبندند و به دادن شعار علیه رژیم می پردازند. مزدوران که از حرکت وسیع زحمتکشان و سویزه زنان مبارز روستا به وحشت می افتند اسرا را آزاد می

سازند اما روز دوم آذرماه ۳ تن دیگر از زحمتکشان روستای مذکور را دستگیر می سازند و از آنان اسلحه نظایه میگیرند. تمامی این فشارها و تضحیقات بر روی زحمتکشان این روستا و سایر روستاهای منطقه "گورک" مها با دادا مه همان سیاستهای ارتجاعی رژیم است تا بدین وسیله هرگونه اعتراض و مقاومتی از جانب توده‌ها را به شکست بکشاند. زحمتکشان خلق کردستان به موازات تکیه بر اتحاد و همبستگی خود در مقابل سیاستها و انواع حیل‌های رژیم دست به اعتراض زده و با هرگونه تسلیم طلبی مبارزه نمایند. خلق سلاح زحمتکشان روستای "قالوی" میبندید. نسه اولین ونه آخرین توطئه رژیم است. تسلیم شدن در مقابل خواستهای رژیم جمهوری اسلامی ب معنی پذیرش حاکمیت ننگین چنین رژیم سفاکی است. امری که توده‌های خلق کردستان ۷ سال حاکمیت ارتجاع هرگز به آن تن نداده و نخواهند داد.

در تاریخ ۱۳ آذرماه جاشه‌ها و پاسداران گروه ضربت "خلیفان" به محلی موسوم به آسیاب جهانگیر واقع در پشت روستای "تاچی دهر" حمله میبرند و خانه فرد زحمتکشی را به آتش می کشند. همین گروه جنایتکار روزهای ۱۹ و ۲۰ آذرماه پس از محاصره روستای "میرهدی" اهالی زحمتکش این روستا را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و خواستار تحویل اسلحه از آنان میشوند.

چندی پیش ۴ مرد در مسلح رژیم در روستای "کوخان" بازو وارد منزل یک روستائی شده و از وی مبلغ ۷۰۰۰۰ تومان اخاذی میکنند.

روز ۱۹ آذرماه مزدوران رژیم موسوم به گروه ضربت بوکان روستای "بیربادی" واقع در منطقه "گورک" مها با در محاصره و داخل روستا هجوم می برند. مزدوران پس از ضرب و شتم اهالی شروع به تفتیش خانه‌های آنان نموده و به چیدن از اهالی میگویند که باید خود را به واحد اطلاعات سپاه معرفی نمایند.

میریوان

زحمتکشان روستاهای "قولقوله"، "خانمکون"، "جی ژنی ناوا"، "باشماخ" علیه سیاست کوچ اجباری رژیم و

تهدیدات مزدوران دست به اعتراض زدند. اهالی این چهار روستا برای اعتراض به فرمانداری شهرمها با در رفتند. مردم این روستاها جهت دادها اعتراضی نمایندگانی از بین خود انتخاب نموده و راهی تهران شدند؛ لازم به یادآوریست که اهالی این روستاها تاکنون و سویزه در ارتقا نشده شدن دامنه جنگ ارتجاعی ایران و عراق بارها ناچار به ترک محل کار و زندگی خود شده اند. این بار نیز اعتراضی بسبب درخواست مزدوران نکرده اند.

از تابستان امسال جهاد سازندگی از طریق شورای اسلامی روستای "نه نه" از هر خانواده این روستا مبلغ پانصد تومان پول گرفتند تا برای روستا شان حمام درست کنند. اما پس از چندی کسار ساختمانی حمام متوقف شد و روشن گردید که مزدوران با این حربه از زحمتکشان پول اخاذی نموده اند.

در منطقه "خامیرتا" و "مزدوران گروه ضربت مستقر در "بیه‌کهره" روز ۲۷ مهر ماه به روستای "وشکن" یورش برده و یکی از اهالی زحمتکش را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار دادند. فرد مزبور در اثر شدت ضربات وارده بر بدنش بحالت اغدا بر زمین می افتد و علی‌رغم اینکه برای معالجه به تهران منتقل میگردد فردای آنروز جان خود را از دست میدهد و بدین ترتیب یکی دیگر از زحمتکشان کردستان قربانی ددمنشی مزدوران رژیم میگردد و خانواده وی شز تهدید گردیده تا علیه

مرگ وی را تصدیق رانندگی جلوه دهند.

روز ۴ آبان مزدوران رژیم تعدادی از اهالی روستای "ره‌شده" در حومه شهر میوان را دستگیر کردند. آنها همچنین یک تراکتور روستای "عمرناوا" را توقیف میکنند و وسائل و اموال یکی از آوارگان جنگی میوان که به روستای "ره‌شده" پناه برده بود غارت میکنند. این اعمال غیرانسانی ختم و اعتراض اهالی را برمی انگیزد و زحمتکشان طبعی چند روز اعتراض متوالی مزدوران را بد عقب نشینی وادارند. در آنجا مزدوران بحریک سفرا از اهالی "ره‌شده" و راننده تراکتور بقیه دستگیرشدگان را آزادی نمایند. اهالی دور روستای "ره‌شده" و "عمرناوا" منتظر آزادی دو نفر دستگیر شده از روستاهای اطراف تفادای پشتیبانی می نمایند و با حمایت دستگیر زحمتکشان اهالی این دو روستا به میر میوان رفته و در مقابل اداره اطلاعات

اخبار جنبش نوده‌ای

سپاه به اعتراض خود ادامه میدهد که این بار نیز زحمتکشان موفق گردیده و هر دو نفر آزاد می شوند .

روز نهم آبان ماه مزدوران گروههای غربت رژیم به روستاهای "لنج تاوا" در حومه شهر مریوان یورش برده و به تفتیش منازل می پردازند . مزدوران یکی از اهالی را دستگیر نموده و اهالی نسبت به بازرسی منازل دستگیر فرد مزبور دست به اعتراض بر علیه مزدوران میزنند و خواهان آزادی اومی شوند . مزدوران فرد دستگیر شده را به مریوان منتقل می نمایند و اهالی برای آزادی وی به مریوان مراجعه می کنند .

در تاریخ ۲۷ آبان ماه مزدوران رژیم روستاهای "ساوجی" ، "جهزنی تاوا" و "مهر" که در بزرگ بوزر بوده و زحمتکشان این روستاها را مورد ضرب و شتم قرار میدهند ، گرچه اولین بار نسبت که رژیم در جهت برقراری سلطه جا برانه خود دست به چنین اعمال جنایتکارانه ای میزند اما تداوم این سرکوبها در راستای سیاستهای ارتجاعی رژیم است تا بدین وسیله خلق کرد را به زانودر آورد ، غافل از آنکه سده های ستمدیده خلق کرد با تداوم مبارزه خود تمامی سیاستهای ارتجاعی و نوظه گرانه رژیم را خنثی خواهند نمود .

رژیم غرق در بحران جمهوری اسلامی نه تنها از تامین حداقل امکانات زیستی و رفاهی توده ها ناتوان است ، بلکه از فرط استیصال و ورشکستگی ، بخشی از اموال مردم را به سرک ارتجاعی را مستقیماً با اخاذی مالی از توده ها تامین میکند .

اخیراً با مطالبه ۱۰۰ هزار تومان از اهالی روستاهای "رهشده" ، "سهل" ، "بیله" و "چاووک" واقع در حومه شهر مریوان که با مراجعه به جهاد سازندگی خواستار کشیدن برق روستای خود شدند عملاً زحمتکشان را وادار نمود تا از این خواست چشم پوشی کنند چرا که یکسال پیش اهالی روستاهای "سب علیا" و "نه" مبلغ ۱۲۰ هزار تومان به اداره "جهاد سازندگی" مریوان پرداخته اند ، اما رژیم از تامین برق این روستا خودداری نموده ، دوماه پیش سارمان

این نهاد ارتجاعی بکمک تعدادی از اعضا انجمن اسلامی روستای "نه" مبلغ ۵۰۰ تومان از هر خانواده بعنوان ساختن حمام گرفتند اما ساختمان حمام نیمه کاره ماند و رها گردید .

پیرانشهر

مزدوران رژیم با محاصره روستای "گه زگه" در منطقه پیرانشهر و هجوم به آن دامداران را دستگیر نموده و با آنها نسبت بسیار چندین بار سر آنان را در حوض آب مسجد روستا فرو می برند و بهانه آنست که به پیشمرگان غذا داده اند آنها را تهدید و مورد ضرب و شتم قرار میدهند و به هنگام ترک روستا انبارهای علوفه را به آتش می کشند .

جاشهای منقور و خود فروخته رژیم به فشارها و تضییقات خود علیه زحمتکشان افزوده اند ، در همین رابطه به اهالی زحمتکش روستای "هنگه" گفتند "در صورتی سیمه نفت و مواد سوختی را به شما میدهم که سهمیه خانواده پیشمرگان و بازماندگان شهدای پیشمرگ را بدهید . اما زحمتکشان خلق کرد که همواره دوشادوش فرزندان خود مبارزه کرده و در هر حال پشتیبان نیروهای انقلابی و بازماندگان شهدای پیشمرگ هستند از این خواست ارتجاعی و ضد خلقی سرباز زده و با ابراز همدردی خود پاسخ یاوه گوشیهای این مزدوران را میدهند .

سقز

چندی پیش نیروهای سرکوبگر روستای "خوره نسا" در منطقه سرشوسقز را محاصره کردند . مزدوران ۱۷ تن از اهالی روستا را بی هیچ دلیل و مدرکی دستگیر و راهی زندانها کردند . پس از شکنجه دستگیرشدگان ۱۲ تن از آنان را آزاد کردند و ۵ تن دیگر در اسارت مزدوران باقی ماندند که اطلاعی از سرنوشت آنان وجود ندارد .

مزدوران رژیم در تاریخ ۲۲ آبان ماه روستای "تاپر علیا" در بخش سرشوسقز را مورد هجوم وحشیانه قرار میدهند ، گرچه این روستا در پی سیاستهای ارتجاعی

وسرکوبگرانه رژیم از مدتها قبل خالی از سکنه شده بود ، اما مزدوران با ریختن نفت بر روی سوخت و علوفه زمستانه بجای مانده زحمتکشان روستا و به آتش کشیدن آن اوج دمدنش و وحشیگری را به نمایش گذارند . قبلاً نیز در اوائل مهر ماه به این روستا حمله ور شده و اهالی زحمتکش را وادار به کوچ کرده بودند .

شمال کردستان

روز ۹ آبان مزدوران مستقر در پایگاه "بیره" واقع در منطقه "گهلی" - برده رهش "به خاشه یک فرد زحمتکش یورش برده و با ضرب و شتم و توهین وی را به پایگاه خود منتقل می نمایند ، فرمانده مزدور پایگاه در مقابل چشمان اهالی روستا که از زن و مرد و پیر و جوان در محفل حضور یافته بودند به افرادش دستور میدهند فرد دستگیر شده را در آب سرد رودخانه بیاندازند و مدتی وی را در آن نگاه دارند ، پس از این آزار وحشیانه مزدوران او را به رگبار بسته و به شهادت میرسانند و در کمال وحشیگری زن و فرزند شهید را نیز با دکتک میکوبند . فرمانده سردوران جهت تهدید اهالی خطاب به آنان میگوید "این سرنوشت همه شما ست ، پس مزدوران منزل این فرد زحمتکش را غارت کرده و مبلغ ۷۰۰۰۰ (هفتاد هزار) تومان پول نقد و مقداری طلا و جواهرات زن خانه را بتاراج می برند و یکبار دیگر اوج قساوت و دمدنش خود را به نمایش میگذارند .

رژیم جمهوری اسلامی در ارتشدهید ناتوانیش برای تامین تدارکات نیروهای سرکوبگر فشار بر اهالی زحمتکش این منطقه را افزوده است در همین رابطه ، مزدوران ، زحمتکشان روستاهای شمال کردستان را تحت فشار قرار داده تا خوراک و نیازهای پایگاههای منطقه را تامین نمایند . مزدوران اهالی روستاهای "کنار دروز" و "انزهل" را موظف نموده تا جهت برآورده شدن این خواست مزدوران اقدام نمایند .

☆ اخبار جنبش نوده‌ای

چند خبر کوتاه از: جنگ ارتجاعی ایران و عراق

سردشت

در اثر توب باران روستای "مام‌گاو" در بخش سویسی سردشت در بعد از ظهر روز ۲۰ مهرماه یک ژن جان باخت و نفرزاهالی مجروح گردیدند. همچنین خساراتی بر اهالی این روستا وارد گردید.

روز اول آبان ماه بمب افکنهای عراقی روستاهای "باس‌ثاوی"، "ببوه‌ران" کونده منگی در بخش سویسی سردشت را مورد حمله قرار دادند که در اثر آن بیش از ۱۰۰ تن از مردم بیدفاع جان باختند و تریانی جنگ ارتجاعی ایران و عراق گردیدند.

روز بعد نیز روستاهای "دارساوین" و "بیلانغلی" در منطقه سردشت و دومرکز نظامی رژیم که در اطراف روستاها قرار داشتند توسط هواپیماهای عراقی بشدت بمباران گردید. در این بمباران دهها نفر از اهالی بیدفاع این روستاها جان خود را از دست دادند.

همچنین در اثر توب باران تعدادی از روستاهای "آلان" در روز ۲۱ مهرماه در نتیجه اصابت ترکش توپ یکی از اهالی جان خود را از دست داد و ۵ نفر مجروح شدند.

اورامانات

در اثر توب باران شهر "نه‌ورسه"، علاوه بر خسارات مالی وارده به مردم شهر دوتی از اهالی جان خود را از دست داده و چند نفر دیگر شدت مجروح گشتند.

سنقر

ساعت ۳/۵ بعد از ظهر ۵ آذرماه جاری چند هواپیمای بمب افکن عراق شهر سنقر را بمباران نمودند که در نتیجه این عمل وحشیانه ۸ تن از اهالی بیدفاع شهر در حمام "شمیشه" جان خود را از دست دادند و تریانی جنگ ارتجاعی شدند. خسارات مالی زیادی نیز به اهالی این شهر وارد آمد.

مریوان

در اواسط آذرماه برای چندمین بار در سه سال گذشته، شهر مریوان مورد تهاجم هواپیماهای رژیم عراق قرار گرفت و در این بمباران محله پشت بیمارستان و میدان مرکزی شهر بشدت ویران گردید و در نتیجه این عمل جنایتکارانه ۲ تن از اهالی زحمتکش قربانی سیاستهای ارتجاعی و جنگ طلبانه سرمایه‌داران شدند و تعدادی نیز زخمی گردیدند. لازم به یادآوریست که شهر مریوان تقریباً خالی از سکنه شده است و تنها تعداد کمی از زحمتکشان شهر که هیچ امکان زیستی در روستاها و شهرهای دیگر ندارند بناگزی در شهر مانده‌اند.

چند خبر از: شهرهای کردستان

بوکان

طی روزهای ۸ و ۹ آبان‌ماه مزدوران با اعمال فشار بر رانندگان زحمتکش بارکشهای سد چرخه از هر کدام از آنان ۵۰۰ تومان پول اخاذی نمودند. مزدوران با دستگیری رانندگان بسبب بهانه نداشتن پروانه رانندگی آنها را به شهرهای منتقل نمودند و با تهدید به

آنان به بیکاری و تشدید محرومیت پس از چند روز مظللی آنان را وادار به پرداخت جریمه نمودند.

روز ۲۷ آبان ماه پس از آغاز کار روزانه در شهر، مزدوران به دستگیری جوانان در کوچه و بازار پرداخته و مدتها نفر را دستگیر نمودند. مزدوران ۲۵۰ نفر از دستگیرشدگان را سرپیما به پادگانها عجب شیرو تبری اعزام کردند. اهالی بوکان در اعتراض به این دستگیریهای گسترده، مغازه‌های خود را بسته و دست از کار کشیدند. شب دوازدهم آبانماه نیز مزدوران با اعلام حکومت نظامی بسبب بازرسی منازل و دستگیری جوانان پرداختند.

مهاباد

چندی پیش در مهاباد در نتیجه یک درگیری لفظی بین جوانی بایکی از مزدوران، افراد "ثارالله" جوان راه زیر مشت و لگد کشیده و او را به ستاد خود منتقل کردند. در اثر شدت ضربات مزدوران، جوان مذکور جان خود را از دست داد.

همچنین در اثر شلیک یک نارنجک سر ۳- توسط مزدوران بسوی دانش‌آموزان در روز ۲۲ مهرماه یکی از دانش‌آموزان مدرسه ۲۲ بهمن شهر جان خود را از دست داد و ۲ نفر دیگر مجروح گردیدند.

سنقر

رانندگان زحمتکش شهر از سوئی مسائل مشکلات اقتصادی و کمبود وسائل بیدکسی روبرو هستند و از سوئی دیگر کمبود بنزین گازوشیل و روغن بر مشکلات آنان افزوده است. رژیم به تعهدات خود مبنی بر تحویل سهم بنزین به ما شینهای مختلف عمل نکرده و رانندگان ناچاراً مدت زیادی از وقت روزانه خود را با مصرف‌های طولی بنزین میگذرانند و با بنزین را از بازار آزاد به چندین برابر قیمت اصلی خریداری می‌نمایند. همچنین ارگانهای مختلف رژیم اعم از شهرداری، پلیس راه از رانندگان به بهانه‌های مختلف اخاذی مالی می‌کنند.

اخبار جنبش توده‌های

آشنوبیه

در ادامه تشدید سیاست سربازگیری در هفته دوم آبانماه طی چند روز متوالی در مسیرهای اصلی داخل شهر و راههای ورود به آن مزدوران بدبازرسی پرداخته و حدود ۱۵۰ نفر از جوانان را برای اعزام به جبهه‌ها دستگیر نمودند.

سندج

روز ۸ آبان ماه، تعدادی از مزدوران رژیم به محله ۱۷ شهریور رفته و به بهانه‌های راهی صاحبان چند خانه مسکونی را تحت فشار می گذارند و جواز سکونت آنان را بایاره میکنند. این رفتار و قیاحتی موجب اعتراض اهالی میگردند و مزدوران یک تن از معترضین را همراه خود به شهرداری میبرند و چند ساعت در یکی از اتاقهای شهرداری حبس می سازند. در پی اعتراض مجدد نامبرده مزدوران به او میگویند چنانچه به سربازی بروی جواز شما مجدداً ما درخواهد شد. نرد دستگیر شده با یکی از مزدوران در راهرو شهرداری درگیر میشود. عابریین که از منازعه مطلع میگرددند موفق میشوند فریدم تگور را از جنگ مزدور شهردار قرار دهنده از آنجا که مردم همواره مترصد بیان اعتراضات و تفرقات در جوار خود از مزدوران رژیم هستند، هنگامیکه این مزدور قصد داشت سوار اتومبیل شده و محل را ترک کند، تیشه اتومبیل او را شکسته و او را پائین می کشند. مزدوران نارالیه برای مرعوب ساختن مردم خود را به محل میبرسانند اما مردم ضمن دادن شعار علیه رژیم خواستار مجازات مامور یا بدیده میشوند.

در تاریخ ۲۵ آبانماه، هنگامیکه دهها اتومبیل در مقابل بیپ سبزین "قبض آباد" سندج جهت دریافت سهمیه گازوئیل ایستاده بودند، ما موران به

رانندگان اتومبیلها اطلاع میدهند که گازوئیل تمام شده و باید محل پمپ را ترک نمایند. رانندگان که با شنیدن این خبر سخت خشمگین شده بودند دست به اعتراض زده و دسته جمعی بسوی استانداری می روند و پس از یک ساعت مشاجره و اعتراض با ما مورین راهی فرمانداری شده، و خواستار لغو سهمیه بندی و کاهش قیمت گازوئیل میشوند. آنها ضمن طرح این خواسته اعتراض خود را در رابطه با گرانیزی و زانفزون و کمبود مواد خوراکی اعلام نموده و تهدید می کنند چنانچه به درخواستهای آنان رسیدگی نشود دست به اعتصاب خواهند زد. لازم به یاد آوریم که کمبود سوخت که یکی از مشکلات عدیده مردم است، محدودیه این شهر نیست و بازنسبب سیاستهای ارتجاعی رژیم درنا توانی از برآورده ساختن حداقل نیازهای توده‌ها در سراسر کشور بشمار میرود.

توده‌های مردم سندج در روز ۲۷ آبانماه هنگامیکه در محل توزیع ارزاق و مواد خوراکی برای دریافت سهمیه مایون صف می کشند، با یکدیگر مشغول صحبت کردن می شوند. کمبود و گرانسی سرسام آورو افزایش قیمت کالاهای ضروری معورتما می صحبت های اعتراض آمیز آنان میگردد. مزدوران رژیم برای جلوگیری از گسترش اعتراضات توده‌های خشمگین محل را تحت کنترل درمی آورند و روز بعد یعنی ۲۸ آبانماه نیز در خیابان "استاندار" نیروهای سرکوبگر برای پیشگیری از تظاهرات به مردم یورش می برند. این اعمال مزدوران، وحشت رژیم را از تجمع توده‌ها و از خشم و کین انباشته آنان که مردم احتمال انفجار آن میروند به آشکارترین شکلی به نمایش می گذارد.

جمهوری اسلامی که طی ۷ سال حاکمیت نکبت با خود جز گرانی، بیکاری، جنگ، اختناق و سرکوب برای کارگران و زحمتکشان ارمنی نداشت است، همواره به انواع حیلها متوسل میشود تا بنحوی جبهه‌های جنگ ارتجاعی را برپا سازد. در ادامه چنین سیاستی مزدوران رژیم روز ۸ آذرماه محله فقیرنشین "گانی کوزه‌له" شهر سندج را مورد یورش قرار میدهند و ۱۲ نفر از دست فروشان این محله را به جرم "دمعبر" دستگیر و ضمن ضبط امسوال ناچیزشان آنها را به همراه خود به شهرداری می برند. هنگامیکه دستگیرشدگان در شهرداری به این اعمال وحشیانه مزدوران معترض میشوند، شهردار مزدور سندج و سرسپرده به آنها می گوید:

"شما حق ندارید چیزی بفروشید، بجرم دمعبر در خیابانها و بینا ده زوها جریمه می شوید، اگر تا چارید و معیشت شما تا مین نمیشود اسلحه بردارید و در بسیج استخدام شوید."

یکی از زحمتکشان در جواب شهردار میگوید: "مردن از گرسنگی بهت‌سراز مزدوری است." و با بیان این حقیقت شهردار را وادار به سکوت میکند.

لازم به یاد آوریم که زحمتکشان این محله با راهجرت تا مین نیازهای اولیه خود از قبیل آب و برق و با غلبه سیاستهای ارتجاعی مزدوران دست به اعتراض زده اند و تنفر عمیق خود را از رژیم به نمایش گذاشته اند.

در همین تاریخ (۸ آذرماه) مزدوران شهرداری سندج در محله "راه ۱۷ شهریور" دست فروشان این محله را نیز مورد حمله قرار میدهند و بقمصد آنها چندتن را دستگیر می سازند. زحمتکشان متحد و یکپارچه دست به اعتراض می زنند و مردم نیز با مشاهده این اعمال وحشیانه بکمک دست فروشان زحمتکش رفته و با مزدوران درگیر میشوند. سرکوبگران که از گسترش اعتراضات به وحشت میافتند دست به اسلحه میبرند اما مردم با شارهائی مرگ برپا سازد، مرگ بر سر و همسر و همسر رژیم، مزدوران را وادار به فرار می کنند. یکی از دست فروشان پس از این حرکت موفقیت آمیز خطاب به دیگر زحمتکشان میگوید: "اگر همیشه و در هر کاری این چنین متحد باشیم مزدوران نمی توانند به ما تعرض کنند." رژیم جمهوری اسلامی که از تا مین هزینه‌های جنگ ارتجاعی عاجز مانده است، بهنا وین مختلف و نیرنگهای کهنه شده سعی در چپاول توده‌ها دارد. چندی پیش مزدوران رژیم تحت عنوان "خواهران زینب" دانش آموزان دبیرستان دخترانه "سید قطب" را تحت فشار قرار میدهند و آنان میبخواهند که برای کمک به "جبهه‌های جنگ" هریک مبلغی بپردازند. علیرغم چند روز تهدید و ارباب فقط چند نفر از وابستگان رژیم مبلغ ۲۰۰ تومان می بپردازند. بدنبال این شکست مفتضحانه، مزدوران متوسل به نیرنگ دیگری شده و به بیان برگزاری مراسم "هفته وحدت" هریک از دانش آموزان را مکلف به پرداخت ۲۰ تومان جهت هزینه مراسم میکنند و به آنها میگویند چنانچه از پرداخت چنین مبلغی سرباززنند از

☆
اخبار جنبش نوده‌ای

مزبور دست به اعتراض میزنند و بیجا شعارهای فدرالیسم خشم و انزجار غسودرا ابراز مینمایند .

دیواندره

اخیراً رژیم با تحت فشار قرار دادن زحمتکشان دیواندره در صدد است تا با استفاده از جو حاصله ناشی از فقر، بیکاری و گران‌ی که نتیجه سیاستهای ارتجاعی و غارتگرانه میباشد، زحمتکشانی را که عمدتاً از روستاهای اطراف دیواندره به این شهر آمده‌اند و دارای نگاهبانی از مفرها و مراکز نظامی نمایند، این سیاست فربکارانه که برای توده‌های ستمدیده کردستان ناشناخته نیست با اعتراضات پراکنده آنان مواجه گشته است .
- کمبود گاز و زئیل و مواد سوختی و کوبینی شدن آن از جانب رژیم جمهوری اسلامی گرچه امر تازه‌ای طی چند سال حاکمیت ننگین رژیم نبوده اما احتیاج تهیه سوخت مورد نیاز زومائل و ماشین‌آلات کشاورزان منطقه دیواندره بر اثر سرسودجوییهای عوامل رژیم با اختلال جدی روبرو گشته بشوید که سوخت مورد نیاز تراکتورهای روستا ثیان که برای شخم‌زدن زمینها مورد نیاز است تا بایب گردیده و زحمتکشان منطقه تا گزیر به چند برابر قیمت مجبور به تهیه گاز زئیل برای تراکتورها شده و اگر چه اعتراضاتی در رابطه با این سیاست‌های غارتگرانه از جانب زحمتکشان صورت گرفته اما عمدتاً پراکنده بوده است، اهالی زحمتکش منطقه با بسد دادنه اعتراضات خود را گسترش داده و بطور متحد علیه رژیم به مبارزه ادامه دهند .

بیانه

جنایتکاران جمهوری اسلامی که از هیچ حسابی علیه خلق کرد فرورگسنداری نکرده‌اند، ساعت ۱۰/۵ بعد از ظهر سوم آذرماه ۲۰ جوان بیدفاع را بقتل میرسانند و بدین وسیله ماهیت ننگین رژیم را بیش از پیش برملا می سازند. در این روز جاشهای خود فروخته بتمدسرت از دو جوان بازور میخوانند که منزل مورد نظر را به آنها نشان دهند، پس از بمداد آوردن درب یک خانه مکتونی، صاحب خانه با مشاهده مزدوران دست به مقاومت زده و مزدوران که از انجام نوظنه خود ناکام گردید، بودند هر دو جوان را به رگبار بسته و فرار میکنند. فردای روز این جنایت وحشیانه، اهالی شهر بانسه به هنگام مراسم تدفین جنازه دو جوان

سازماندهی طبقه کارگر

یا . . .

و اتفاقی است. محفل‌های خانوادگی و شغلی، محله‌ای یا قهوه‌خانه‌ای فقط بدرد آن نوع سازماندهی کمونیستی میخورد که حزب کمونیستی همچون بلوک کومه‌له و سه‌تد میسر و میبلش باشد .

تدقیق کنندگان مباحثات کنگسره در رابطه با سازماندهی در میان کارگران هر چه که بیشتر میروند و مباحثات را تدقیق میکنند، بیشتر کنیه دهقانی خود را که میخوانند آنرا پوشیده بدارند، بهر مسلا میازند .

نشریه "کمونیست" می نویسد:
"این اشکال (یعنی همان محافل کارگری مبتنی بر روابط خانوادگی و شغلی) جزء هویت طبقاتی کارگران است که اساساً حزبیت یافتن طبقه کارگر را ممکن میکند. اقشاری نظیر دهقانان و تولیدکنندگان خردشهری بدرجه‌ای کسه فاقد اینگونه آرایش‌های دروسی اند، سنتاً از منعکس کردن منافع خود در سبک حزب سیاسی سراسری نیز نا توان بوده‌اند." براسنی که این تحلیل از اشکال سازمانیابی طبقه کارگر که جزء هویت طبقاتی کارگران است، در زمره شا هکارهای نظری کومه‌له و سه‌تد در میان بیسروان جنبش خود بخودی و رسمیت بخشیدن به هر آنچه که موجود است، تا ابداً در باقی خواهد ماند .

آخو کجای محافل مبتنی بر روابط خانوادگی و شغلی جزء هویت طبقاتی کارگران است که اساساً حزبیت یافتن طبقه کارگر را ممکن میکند؟ کجای ایس محافل کیفیتاً متما بر محافل مبتنی بر روابط خانوادگی، محله‌ای و دوستانه سا بر اقشار اجتماعی است؟ و آیا بر این مناسره محفل، مینای سازماندهی کمونیستی نیست؟ بیچاره مارتینساف اکونومیست که کار را بر سندیگا گذاشته بود، و حال تدقیق کنندگان مباحثات کنگره دوم بلوک کومه‌له و سه‌تد کار را بر مینای روابط خانوادگی و شغلی می گذارند. علم داران "مارکسیسم انقلابی" ما به عهد ما ثوفا کتورها رجعت کرده اند .

شهرات امتحانی آنها کسر خواهد شد! و بدین ترتیب مبلغ ۱۴ هزار تومان از دانش‌آموزان اخاذی و بی‌عنوان کمسک دانش‌آموزان! به جیبها، تحویل رژیم میشود. هنگامیکه دانش‌آموزان از این حیل مزدوران مطلع می گردند متحد و بکپارچه اعلام میدارند تا هنگامیکه پولهایشان پس داده نشود از رفتن به کلاس خودداری خواهند کرد. دانش‌آموزان ضمن دادن شعارهای بر علیه رژیم شیشه‌های مدرسه را نیز می شکنند، عین همین جریان نیز در مدرسه راهنمایی فردوسی تکرار می شود و دانش‌آموزان پس از پی بردن به حیل مزدوران "خواهران زینب" متحداً دست به اعتراض میزنند و ضمن دادن شعار علیه مزدوران و رژیم جمهوری اسلامی شندهای مدرسه را می شکنند و صدلیها را از طبقه دوم به حیات مدرسه پرت میکنند . مدیر مزدور مدرسه که از طغیان دانش‌آموزان مبارز سخت به هراس می افتد آنها را تهدید میکند چنانچه به کلاسه‌های خود باز نگردند به سپاه تلفن خواهد زد، امسا دانش‌آموزان بدون کمترین توجهی به تهدیدات مدیر سرسپرده به اعتراضات خود و دادن شعارهای از قبیل مرگ بسر پاسدار، بسر رژیم، بسر انامه میدهند. لحظاتی بعد چند اومبیل بر از مزدوران ضد انقلابی با تلیک هوایی وارد مدرسه شده که بابی اعتناتی دانش‌آموزان روبرو میشوند، مزدوران ۳ تن از دخترا دانش‌آموزان دستگیر می‌سازند، اما هنگامیکه قصد سوار کردن آنان را به اومبیل ها داشتند دانش‌آموزان انقلابی دسته جمعی به مزدوران حمله ور شده و دستگیرشدگان را آزاد می‌سازند. مزدوران "نارالله" با مشاهده این اعتراضات و وحشت از گسترش آن خطاب به "خواهران زینب" میگویند "از دست ما کاری ساخته نیست" . و مدرسه را ترک میکنند. متعاقب این اعتراضات مدیر خاش و خود فروخته به دانش‌آموزان وعده میدهد که اگر به کلاسها برگردند پولهایشان مسترد خواهد شد .



استثمارگرانہ دست به عمل می زنند، اگر منافع مشترک بورژوازی حاکم بر ایران و امپریالیسم آمریکا ایجاب میکند که در سرکوب کارگران و زحمتکشان همدیگر را یاری کنند، کارگران و زحمتکشان نیز بخوبی دریافته اند که برای رژیم ورشکسته و ارتجاعی جمهوری اسلامی، هیچ راهی بجز سرنگونی نظام است. آنان نیز در تدارک نابود کردن بورژوازی وابسته به امپریالیسم و با جنگ علیه بلوک متحد امپریالیسم و پایگاه اجتماعی آن، بورژوازی حاضر را به زیر خواهند کشید.

پان اسلامیسیم
"میانه روها"
امپریالیسم!

مسئله مهمی است. خانه‌های درخشان نماز جمعه با برخاش به دستگاههای خبری از آنسان گلابه میکنند که چرا به نکته "اصلی" که در سخنان ریگان وجود داشت و سران رژیم با تکیه بر آن، می خواستند ثبات و قدرت خود را بنمایانند نمی پردازند؟! و در عوض به مسئله درجه دومی می پردازند که در شرایط کنونی به عاملی منفی و در جهت تضعیف رژیم تبدیل گشته است. مسئله درجه دوم مورد نظر خانه‌های، همان خرید اسلحه از آمریکا و یا در میانسی صهیونیست ها و پرداخت پول اسلحه به فدا انقلابیون ما موزانی است که اکثر تبلیغات عموماً در این روند سر کرده است. اما کارگران و زحمتکشان ایران که تحت سخت ترین شرایط زیستی به سر می برند، بی آنکه کمترین توهمی نسبت به دشمنان خود داشته باشند، از زاویه منافع خود به این مسائل می نگرند. اگر سرمایه داران و امپریالیستها برای حفظ منافع خود و برای تحکیم مناسبات

و اما نه برقراری مناسبات رژیم با امپریالیستها، نه تحویل اسلحه و تجهیزات آمریکائی، هیچیک نتوانست گزهی از مشکلات رژیم را بکشد و اهداف او را برآورده سازد. حتی تبلیغات ادامه دار و فریاد کارخانه‌ای که متعاقب آن رژیم سعی کرد تا با دادن زدن به آن با مصلح خود را تشبیه شده قلمداد کند، به جایی نرسید و در عمل خلاف میل مقامات رژیم پیش رفت. سخنان ریگان نیز مبنی بر اینست که جمهوری اسلامی واقعیتی است که باید آن را پذیرفت، نتوانست به نقطه اتکالی برای رژیم تبدیل شود. تاثيرات افشاء گرانه مناسبات ایران با اسرائیل و آمریکا، اثرات نطق ریگان را زائل کرد تا آنجا که خانه‌های در نماز جمعه ۱۴ آذر ماه میگوید:

"در مجموع یک طرفند تبلیغاتی و سیاسی اینجا وجود دارد و آن عبارت از این است که بایک هیا هو و جنجال در یک مسئله درجه دومی کنند مسئله درجه یک را تحت الشعاع قرار دهند مسئله اساسی این است که یک اسرقت قدرت در خانه آمده به سراغ یک کشور آزاد انقلابی مستقل و از او روابط سیاسی گذاشتند این مسئله اصلی (است) که بسیار هم

پسوزش و تمحیح:
در شماره قبل ریگای گول صفحه ۱۱، سطرهای ۷ و ۸ بجای (امپریالیستهاهای انگلیسی و هلندی) اشتباها (کمونیسست های انگلیسی و هلندی) تایپ شده است که بدین طریق اصلاح می گردد.

| غنائم بدست آمده | |
|-----------------|--------------------------------|
| ۵۲ | جنگ افزار انفرادی |
| ۳۵ | انواع نارنجک |
| ۳ | بسی سیم |
| ۱۳۸۲۰ | انواع فشنگ |
| ۱۲۶ | خشاب |
| ۳ | جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین |
| ۲۰ | کلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین |
| ۱۷ | بهرستن فریب خوردگان |

۳ فشنگ ۲۲ صندوق
تیر فشنگ ۳۰۰۰۰
نارنجک یک صندوق
موشک آر.بی.بی جی ۴۰ عدد

| تلفات دشمن | |
|------------|--------------------------|
| ۲۸۰ | کشته وزخمی |
| ۱۸ | اسرای دشمن |
| ۲۸ | خودروی منهدم یا ساقط شده |
| ۱۰ | اسلحه های منهدم شده |
| ۳ | مهمات منهدم شده |

جدول دو ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کسرد

۲۷ مهر ۶۵ تا ۲۷ آذر

| عملیات پیشمرگه | |
|----------------|-----------------------------|
| ۱۱ | کامین و کنترل جاده |
| ۶ | مین گذاری |
| ۲۷ | مقاله در برابر جورش رژیم |
| ۲ | حمله به مراکز رژیم در شهرها |
| ۱ | خلع سلاح پایگاه |
| ۲ | مبارزه و انهدام تاسیسات |
| ۲۴ | حمله به پایگاهها |
| ۷۵ | جمع |

| | |
|----|-------------------|
| ۳۱ | شیدای پیشمرگه |
| ۱ | اسلحه های سید فاع |

سدرگه و توپ بی پرونده و هی شورشیگرانه‌ی گه‌لی کورد

هفتم آذرماه، مصادف با ۲۸ نوامبر، یکم و شصت و نهمین سالگرد تولد

فردريك انگلس آموزگار کبير پرولتاریا

سی ام آذرماه، مصادف با ۲۱ دسامبر، یکم و هفتمین سالگرد تولد

رفیق استالین

بیست و نهم آذرماه، یکم و هفتمین سالگرد تولد

کمونیسیت کبير حیدر عمو اوغلی

گرامی باد

اخباری از جنبشش ثوده‌ای

در صفحه ۱۳

برخی ملاحظیات

سازماندهی طبقه کارگر

یا

رجعت به عهدمانو فاکتور

زنده باد جنبش خودبخودی، زنده باد اکونومیسم، زنده باد سازماندهی خودبخودی کارگران، این چکیده مباحثات کنگره دوم حامین سوسیالیسم دهقانی است که مدتها تلاش نمودند اکونومیسم، بهراکنده کاری و تسلیم طلبی را با نقاب "مارکسیم انقلابی" بیوتانند. درپوشش "مارکسیم انقلابی"، چپ سنتی و

در صفحه ۶

انقلاب اکتبر

مارش ظفر نمون پرولتاریای آگاه و متشکل

طبقه کارگر روسیه با جلب پشتیبانی دهها میلیون دهقان تپه دست، سرایان و ملوانان، حاکمیت شورائی را جایگزین حاکمیت بورژوازی نمود. با اولیسن فرمانهای ستاد سرخ رهبری انقلاب، تحت حاکمیت نهادهای شورائی، شروتهای

در صفحه ۷

هفتم نوامبر ۱۹۱۷ با مارش ظفر نمون انقلاب پرولتری و طی یک تیسام مسلحانه، بورژوازی روسیه از اینکه قدرت به زبرکشیده شد و طبقه کارگر جهانی به یکی از عظیم ترین پیروزی های تاریخی اش که در سراسر زندگی بشریت بی نظیر بود دست یافت.

پادی از: جنبش ملی آذربایجان

رویدادهای شهریور ۱۳۲۰ و حوادث پس از آن که مفارن با پایان گرفتگی جنگ دوم جهانی بود، تا شیراز خود را بصورت بحرانی همه جانبه در ایران بجای گذارد.

خلق آذربایجان که در آنقلاب مشروطیت پیشتاز بود پس از گذشت یکدهه از انقلاب مشروطیت نه تنها به ابتدائی ترین حقوق خود منجمله خواست "ملی" دست نیافت، بلکه مورد ستمانه ترسین بورژها

در صفحه ۱۵

۱۳ آبان سال ۵۷، روز خونین دانش آموز و

۱۶ آذر سال ۳۲ روز دانشجو گرامی باد.



رادیو

صدای فدائی

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ جدا از ظهر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بید



هفتی گره پیروز است

جدول دو ماهه

عملیات پیشمرگان

خسلق کسرد

در صفحه ۲۱

کنسار روستائیان ایندرفاش در

۱۳ آبان ۵۹ تجلی

ارتجاع لجام گسیخته

رژیم جمهوری اسلامی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق